

تبیین رفاه اجتماعی و تأثیر آن بر احساس امنیت (مطالعه موردی شهر اصفهان)

دکتر وحید قاسمی*

زهرا طاهری**

مرضیه مهربانی***

تاریخ دریافت: ۹۲/۴/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۱/۱۴

چکیده

رفاه اجتماعی تعبیری است که بیشتر به یک وضعیت چند جانبه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی معطوف است و حفظ شأن انسانها و مسئولیت‌پذیری جامعه در قبال آن و ارتقای توانمندی کلیت جامعه در عرصه‌های فردی و جمعی از اهداف اساسی آن است. هدف از مقاله حاضر، تبیین رفاه اجتماعی و تأثیر آن بر احساس امنیت به روش اسنادی و پیمایشی (پرسشنامه بسته از نوع طیف لیکرت) در بین شهروندان اصفهانی بوده است. شیوه نمونه‌گیری صورت گرفته در آن خوشه‌ای بوده که با توجه به سن، جنس و محل سکونت افراد، توزیع آن به صورت تصادفی در بین ۳۸۴ نفر از ساکنان شهر اصفهان به انجام رسیده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و Amos می‌باشد. یافته‌ها حاکی از رابطه معنادار و مستقیم بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و پایگاه اجتماعی-اقتصادی با متغیر رفاه اجتماعی

v.ghasemi@ltr.ui.ac.ir

ztaheri2007@gmail.com

mehraban2020@gmail.com

* دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان.

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان. (مکاتبه کننده)

*** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان.

می‌باشد. و نیز بین متغیر رفاه اجتماعی در نقش متغیر وابسته با متغیر احساس امنیت رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. همچنین مدل معادله ساختاری پژوهش، حاکی از تأیید داده‌های گردآوری شده با چارچوب نظری پژوهش می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: رفاه اجتماعی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، سرمایه

اجتماعی، احساس امنیت.

مقدمه و طرح مسئله

مفهوم شهروندی در دهه معاصر، ایده‌ای است که در اروپای غربی زاده شده است و بنیاد اصلی و اساسی آن، قبول حقوق و وظایف قانونی و سیاسی ناشی از جایگاه شهروندی است. بعدها برخورداری از رفاه حداقلی، مانند حق داشتن سرپناه و نظایر آن به حقوق شهروندان اضافه شده و مفهوم شهروند اجتماعی سربرآورد. هویت سیاسی، وفاداری به قلمرو، احترام به قانون، توجه دقیق به دیگران، آگاه بودن از امتیازات و منزلت خویش و سرانجام گردن نهادن به وظایفی که ناشی از شهروندی و برخورداری از حقوق چنین جایگاه ویژه‌ای است، در پی رفاه حداقلی مطرح شد (پیران، ۱۳۸۲: ۴۸). عمده‌ترین تقسیم‌بندی حقوق شهروندی متعلق به مارشال می‌باشد. به نظر وی حقوق شهروندی شامل سه نوع حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی است. حقوق مدنی شامل آزادی افراد برای زندگی در هر جایی که انتخاب می‌کنند، آزادی بیان و مذهب، حق مالکیت و حق دادرسی یکسان در برابر قانون است. دومین نوع حقوق شهروندی، حقوق سیاسی است؛ به ویژه حق شرکت در انتخابات و انتخاب شدن است. حقوق اجتماعی به حق طبیعی هر فرد به بهره‌مندی از یک حداقل استاندارد رفاه اقتصادی و امنیت مربوط می‌شود. این حقوق شامل حقوقی نظیر مزایای بهداشتی و درمانی، تأمین اجتماعی در صورت بیکاری و تعیین حداقل دستمزد می‌باشد. حقوق اجتماعی به خدمات رفاهی مربوط می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۳: ۳۴۳-۳۴۲).

تبیین رفاه اجتماعی و تأثیر آن بر احساس... ۳

رفاه اجتماعی، یکی از مباحث مهم اقتصادی- اجتماعی که در مجامع، سازمان‌ها و متون اقتصادی مطرح گردیده است و واژه‌ای چندپهلوست که در چهار مفهوم اصلی به کار می‌رود: الف) رفاه عمومی که به بهزیستی اشاره دارد؛ بهزیستی از جنبه اقتصادی- مفهوم بهروزی یا نیک و بدی، به کارایی یا سودمندی اشاره می‌کند که مورد علاقه افراد است و آنان بر اساس علایق خود، آن روش‌ها را برای خود انتخاب می‌کنند. ب) بهزیستی اشاره به طیفی از خدمات دارد که برای حمایت از افراد در موارد ویژه به کار می‌رود مانند کودکی، کهنسالی و بیماری. مبانی نظری دولت رفاه یا رفاه اجتماعی که به دست دولت تأمین می‌شود، نمونه‌ای از این موارد است که معادلی برای واژه حمایت اجتماعی در اروپا می‌باشد. ج) در ایالات متحده رفاه، به‌ویژه اشاره به همیاری‌های مالی به افراد محروم و نیازمند دارد. مثل کمک‌های مالی موقت به خانواده‌های فقیر؛ اما این مفهوم، کاربرد دیگری ندارد. د) رفاه اغلب مرتبط با نیازهایی است، اما ورای نیازمندی افراد گام برمی‌دارد و برای دستیابی به بهزیستی و بهروزی افراد، تلاش می‌کند (کامکار، ۱۳۸۲: ۲۵).

در گزارش سازمان ملل تصریح شده است که: «امروزه اکثر مردم، بیشتر از ناحیه نگرانی‌های مرتبط با زندگی روزمره احساس ناامنی می‌کنند تا ترس از وقوع یک حادثه فاجعه‌آمیز جهانی. امنیت شغلی، امنیت از جهت درآمد، امنیت از باب سلامتی، امنیت زیست‌محیطی، ایمنی از جرائم و جنایات، این‌ها نگرانی‌هایی هستند که در ارتباط با امنیت انسانی در سراسر جهان به ظهور می‌رسند و در نهایت این گزارش اضافه می‌کند: «توسعه انسانی پایدار، توسعه‌ای است طرفدار مردم، طرفدار ایجاد شغل و سازگار با طبیعت. در این‌گونه توسعه، کاهش فقر، اشتغال مولد، یکپارچگی اجتماعی و تحدید حیات زیست‌محیطی، بالاترین اولویت را پیدا می‌کند» (زاهدی‌اصل، ۱۳۸۱: ۱۱۶). در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز آمده است: که دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و ضوابط مساوی را

برای احراز مشاغل ایجاد نماید^۱. حتی ترتیبی داده شده است که اگر انسان به دلیل پیری از کارافتاده شده است و قادر به کار نیست، از مزایای شغل پیشین خود برخوردار شود و تا در تنگنای معیشتی قرار نگیرد. چنان که مقرر داشته است، برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی، دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم خدمات و حمایت‌های مالی بالا را برای یک افراد کشور تأمین کند^۲ (ناصری و رحیمی‌نژاد، ۱۳۷۴: ۲۰-۱۸). چیرگی بر فقر و ایجاد احساس امنیت خاطر برای شهروندان، همواره برای دولت‌های عدالت‌گرا به مثابه یک هدف راهبردی مطرح بوده است. به‌همین سبب سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه تأکید بر توزیع و برابری داشته و سعی در تعدیل فاصله طبقاتی می‌باشد.

رفاه اجتماعی را نمی‌توان صرفاً توسط مؤلفه‌های اقتصادی و مادی تضمین کرد و علاوه بر آن باید منابع جامعه مدنی از جمله سرمایه‌های اجتماعی و گروه‌های گوناگون مردم را فعال و بسیج کرد. در نظام‌های جدید رفاه اجتماعی، موضوع سرمایه اجتماعی اهمیت یافته است و کارآمدی سیاست‌های تأمینی و رفاهی به مقدار سرمایه اجتماعی موجود در هر جامعه باز می‌گردد. در ایران نیز طی سالهای اخیر توجه دولت بیشتر معطوف به سیاست‌گذاری‌های رفاه اجتماعی و اجرای برنامه‌هایی جهت کاهش فقر، ایجاد برابری و عدالت اجتماعی بوده است.

این پژوهش نیز با توجه به مسئله و اهمیت موضوع و نیز اجرایی شدن بحث هدفمندی یارانه‌ها، دو هدف مهم را دنبال می‌کند؛ هدف اول که به طور اسنادی صورت گرفته است، در پی تبیین و شناخت رفاه اجتماعی، دیدگاه‌ها و.. بوده و لزوم محوریت

^۱ اصل بیست و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

^۲ - اصل بیست و نهم قانون اساسی

دولت در برنامه‌های رفاه اجتماعی را مورد توجه قرار داده است. هدف دوم که به صورت پیمایشی در بین نمونه‌ای از شهروندان اصفهان صورت گرفته است، به استخراج متغیرهای مربوط به رفاه اجتماعی در نقش علت و معلول پرداخته و آن‌ها را به بوته آزمون قرار داده است. امید است این پژوهش مورد توجه مسئولین زیربسط و علاقه‌مندان مربوط به این حوزه قرار گیرد.

مفهوم رفاه اجتماعی

عبارت رفاه اجتماعی زاده تحولات و مناسبات اقتصادی و اجتماعی قرن نوزدهم اروپا به بعد است. اما برخی، به خصوص مورخان، تلاش می‌کنند این عبارت را به یک امر تاریخی منتسب کنند. گینزپست معتقد است؛ حقوق رومی و حقوق مدون کلیسا، اندیشه‌هایی در خصوص نوعی رفاه عمومی برتر از حد تعلقات محلی عرضه می‌داشتند... و دلیل اصلی برقراری نهاد سلطنت تأمین رفاه عمومی بود (یزدانی، ۱۳۸۲: a: ۳۴). این اصطلاح از کلمه قدیمی Fare well گرفته شده است که به معنی خوب بودن و خوب شدن و در معنی وسیع‌تر، حالتی از مناسب بودن است (یزدانی، ۱۳۸۲: b: ۳۸).

جرمی بنتام، رفاه اجتماعی را نوعی تراکم ساده و مکانیکی از رفاه‌های فردی می‌داند. به نظر وی رفاه اجتماعی با بهره‌مندی اجتماعی و حداکثر خیر و خوشبختی برای حداکثر آحاد مردم برابر است (زاهدی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱۵). بر این اساس اگر جامعه درصدد تأمین رفاه اجتماعی است، باید نیازهای افراد، خانواده‌ها، گروه‌ها و جوامع رفع شود (اسماعیلی، ۱۳۸۵: ۱۵۷). مازلو با طرح نظریه سلسله مراتب نیازها، اساس فرض خود را بر این گذاشت که برای هر انسان هفت‌دسته نیاز وجود دارد که عبارتند از: نیازهای فیزیولوژیکی، نیاز به ایمنی، نیازهای اجتماعی، نیاز به احترام، خودشکوفایی، معرفت‌پذیری، زیبایی‌شناسی. طبق این نظریه برای افزایش رضایت‌مندی

افراد باید ابتدا نیازهای اولیه افراد مانند خوراک، پوشاک، مسکن و سایر نیازهای فیزیولوژیکی تأمین شود و در مراحل بعد، مسئله امنیت شغلی، نیازهای ارتباطی در کار و نیاز به احترام مطرح می‌شود. در آخر نیز آنچه فرد می‌تواند باشد (خودشکوفایی)، باید بشود (رضاییان، ۱۳۷۰: ۱۷۶).

بی‌تردید رفاه اجتماعی محصول فرآیند توسعه اقتصادی است و توسعه اقتصادی به معنای فراگیر آن، زمانی اتفاق می‌افتد که فقر و نشانه‌های آن از جامعه زدوده شوند. توسعه، فرآیند بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی تمام مردم است که از سه جنبه مهم برخوردار است: (الف) ارتقای سطح زندگی مردم، یعنی سطح درآمد و مصرف مواد غذایی آن‌ها، سطح خدمات پزشکی، آموزشی... از طریق فرآیندهای مناسب رشد اقتصادی؛ (ب) ایجاد شرایطی که موجب رشد عزت نفس مردم شود، از طریق استقرار نظام‌ها و نهادهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی که مشوق احترام به انسان باشد؛ (ج) افزایش آزادی‌های مردم در انتخاب، از طریق وسعت بخشیدن به حدود متغیرهای انتخاب آنها (مانند: افزایش در تنوع کالاها و خدمات مصرفی). به این ترتیب توسعه اقتصادی نقش بسزایی در بهبود کیفیت زندگی داشته و افزایش رفاه عمومی را در زمره هدف‌های اصلی قرار می‌دهد (حق‌جو، ۱۳۸۱: ۷۶).

دلالت‌های متعددی از اصطلاح رفاه اجتماعی شده است. به‌طور سنتی این اصطلاح برای اشاره به این مطلب استفاده شده است: «حمایتی که جامعه برای اعضاء خود از طریق اقدامات مؤثر در مقابل فشارهای اقتصادی و اجتماعی که از طریق توصیف و یا کاهش شدید درآمدها ناشی از بیماری، زایمان، جراحات کاری، بیکاری، عدم اعتیاد، سالمندی و مرگ به وجود می‌آید، فراهم می‌کند؛ تدارک مراقبت‌های بهداشتی و تدارک یارانه‌هایی برای خانواده‌های دارای فرزند». همان‌گونه که مشخص است، تدارکات رفاه اجتماعی، به‌طوری‌که تعریف شد، هدف در ارائه آسایش برای کارگران در مقابل حوادث احتمالی دارد (Prabuha & Lyer, 2001: 31).

یکی از پایه‌های اندیشه‌ای در زمینه‌ی رفاه اجتماعی، به نظریه اخلاقی دولت هگل باز می‌گردد. بر مبنای این نظریه، وظیفه اخلاقی دولت، حفظ امنیت و ایجاد اعتماد عمومی به کارکردهای جامعه در جهت حفظ منافع یکایک افراد جامعه است و عدالت نیز در این زمینه نقش به‌سزایی بر عهده دارد و زمانی که عدالت، بعد اجتماعی به خود می‌گیرد، احساس امنیت و رفاه در افراد جامعه رو به پایداری می‌رود (یزدانی، ۱۳۸۲: a: ۳۴). لیبرال‌های کلاسیک که از اولین ارائه‌کنندگان بحث جدی در مورد رفاه به شمار می‌روند، حدود معنایی این مفهوم را محدود به کامیابی و آسایشی کرده‌اند که افراد در مبادلات بازار به دست می‌آورند و تولید کالاهای ضروری عامه موجب به وجود آمدن آن می‌شود. این مفهوم رفاه شامل دسته‌ای از معیارهای کاملاً مشخص در جهت فقرزدایی است (قاسمی‌اردهایی، ۱۳۸۷: ۴-۵).

پاره‌تو معتقد است که مقایسه بین افراد از حیث بهره‌مندی از رفاه اجتماعی امکان‌پذیر نیست. به گفته وی جامعه‌ای که قادر باشد دست‌کم وضع زندگی یکی از آحاد خود را بهتر سازد، در بهبود شرایط رفاه خویش کوشیده است. با این حال، زمانی می‌رسد که این جامعه می‌تواند فقط با بدترکردن وضعیت شماری از آحاد خود شرایط شماری دیگر را بهتر کند. در این حالت، جامعه مورد بحث به مرحله کارایی مطلوب خویش رسیده است و ایجاد هرگونه تغییر بیشتر توجیهی ندارد. در این راستا راولز استدلال می‌کند که جامعه‌ای که توزیع منابع در آن عادلانه باشد، وضعیت رفاهی بهتری از جامعه‌ای دارد که منابع آن به شکل عادلانه توزیع نمی‌شود و توزیع عادلانه به این معنا است که برای محروم‌ترین افراد مطلوب باشد. بدین ترتیب، رفاه اجتماعی مستلزم حذف نابرابری‌های غیرعادلانه است، نه حذف صرف نابرابری (زاهدی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱۶). اصول پاره‌تو بر سه فرض متکی است: (۱) هر فرد بهترین قاضی رفاه خود است؛ (۲) رفاه اجتماعی منحصراً نتیجه عملکرد رفاه فرد است؛ و (۳) اگر افزایش رفاه فرد به قیمت کاهش رفاه دیگری تمام نشود، رفاه اجتماعی افزایش می‌یابد (صادقی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۴۵).

اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR)، که در سال ۱۹۴۸ به تصویب رسید، در تعریفی از رفاه اجتماعی، آن را به عنوان یک حق بشر معرفی می‌کند. بر اساس این اعلامیه هریک از انسان‌ها حق بهره‌مندی از استانداردهای لازم زندگی برای بهداشت و رفاه خود و خانواده‌اش را داشته، که در بردارنده غذا، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های درمانی و خدمات اجتماعی لازم می‌گردد و نیز حق بهره‌مندی از امنیت هنگام بیکاری، بیماری، ناتوانی، بیوه‌شدن، سالمندی و یا دیگر موارد فقدان در زندگی در پیرامون خود که وراثت کنترل خویش می‌باشد را دارد. همچنین کنواسیون بین‌المللی اقتصادی، حقوق فرهنگی و اجتماعی (ICESCR) که در سال ۱۹۶۶ به تصویب رسید، در ماده ۹ خود برخورداری از بیمه اجتماعی را به رفاه اجتماعی اضافه می‌کند (Gunneken, 2009: 230).

از نظر سازمان ملل متحد، «رفاه اجتماعی» عبارت است از دامنه وسیعی از فعالیت‌ها و برنامه‌هایی که تحت نظارت و با کمک دولت برای بهزیستی افراد و جامعه انجام می‌شود (یزدانی، ۱۳۸۲: ۳۸).

در تلاشی برای نیل به یک استانداردسازی بین‌المللی، سازمان بین‌المللی کار (ILO) تعریفی از رفاه اجتماعی ارائه داد که شامل همه کشورها می‌شود. این سازمان در سال ۲۰۰۰، رفاه اجتماعی را این‌گونه تعریف می‌کند: «حمایتی که جامعه برای اعضای خود از طریق مجموعه‌ای از اقدامات عمومی ارائه می‌دهد: ارائه خدمات مراقبت‌های سلامت برای افراد و ارائه مزایایی برای خانواده‌های دارای فرزند (Kaske, 2005: 90).

ژوتینگ پیرامون این تعریف می‌گوید: «از این تعریف مشخص می‌شود که رفاه اجتماعی محدود به اشکال رسمی و دولت‌محوری حمایت اجتماعی است. اما این امر ارتباط محدودی با کشورهای در حال توسعه دارد. در این کشورها، حمایت اجتماعی دولتی به‌طور ضعیفی در بین آن‌ها گسترش یافته و تنها تعداد کمی از جمعیت را پوشش می‌دهد و غالب حمایت‌ها، متکی بر حمایت اجتماعی غیردولتی است. همچنین، از این تعریف برمی‌آید که هم‌اکنون مردم به حداقل میزان استاندارد قابل قبول

زندگی رسیده‌اند و از این رو، باید از آن‌ها در قبال افول استانداردهای زندگی حمایت نمود؛ اما واقعیت در آفریقا نشان می‌دهد که مردم در فقر مطلق زندگی می‌کنند و آنچه مورد نیاز است آن است که آن‌ها را به سمت یک استاندارد زندگی قابل قبول هدایت کرد. سرانجام، این تعریف تنها بر خطرات فردی متمرکز است درحالی‌که از خطرات جمعی همچون بلایای طبیعی که زندگی تعداد زیادی از مردم را تهدید می‌کند، چشم‌پوشی می‌کند. در تعریف سازمان بین‌المللی کار، تنها اشاره به مجموعه خطرات بوم‌شناختی و اجتماعی - اقتصادی موجود در کشورهای توسعه یافته دارد (Ibid: 91).

درزسن استدلال می‌کند که با توجه به شیوع گسترده فقر و محرومیت در کشورهای درحال توسعه، رفاه اجتماعی را باید از دیدگاهی وسیع‌تر مورد بررسی قرار داد و الزاماً باید به گونه‌ای محسوس و ملموس از طریق وسایل عمومی دنبال شود، به جای اینکه به صورت مجموعه محدودی از استراتژی‌های خاص بررسی شود. درحالی‌که تعریف سازمان بین‌المللی کار، به دنبال جلوگیری از محرومیت است؛ هدف درزسن، حمایت در مقابل آسیب‌پذیری نسبت به محرومیت است (Prabuha&Lyer, 2001: 32).

طبق نظر میجلی، بیمه اجتماعی شکل مورد ترجیح تعریف سازمان بین‌المللی کار برای رفاه اجتماعی است و اشاره به برنامه‌های کمک‌کننده رفاه اجتماعی دارد که از افراد دارای درآمد و فاقد درآمد (موقتی یا دائم) که به صورت ناخواسته رخ داده، پشتیبانی می‌کند. این ازدست رفتن ناخواسته هنگامی رخ می‌دهد که صاحبان درآمد در معرض اتفاقات احتمالی خاص قرار می‌گیرند. کنوانسیون ۱۰۲ رفاه اجتماعی سازمان بین‌المللی کار (حداقل استانداردها) ۵ شاخص رفاه اجتماعی را شناسایی کرده که همه آن‌ها برنامه‌های بیمه اجتماعی هستند. این شاخص‌ها عبارتند از: بیمه سالمندان، بیمه زایمان، بیمه بیکاری، بیمه آسیب شغلی و بیمه خانواده (Kaske, 2005: 92).

به نظر ادوین کاس که (۲۰۰۵) مفهوم‌سازی از رفاه اجتماعی، از کشوری به کشور دیگر متفاوت است و وابسته به سنت‌ها، تجربه‌ها و سطح توسعه اقتصادی می‌باشد. وی

می‌گوید: «مفهوم رفاه اجتماعی بر مبنای این درک است که افراد بشر در معرض خطرات غیرقابل اجتنابی هستند؛ بنابراین به منظور رفع نیازها و تشخیص پتانسیل افراد، باید خطرات بین آن‌ها تقسیم شود. تقسیم خطرات بدان معنی است که هیچ فردی نباید به تنهایی بار یک خطر را به دوش بکشد. در عوض باید بین همه کسانی که تحت پوشش برنامه رفاه اجتماعی هستند، تقسیم شود. از طرف دیگر مفهوم ادغام منابع نیز مطرح می‌شود. ادغام منابع، اطمینان از آن است که هرکسی که تحت پوشش یک برنامه رفاه اجتماعی است، قادر است از همه قسمت‌های برنامه بهره‌بردار. مجدداً این امر بر مبنای این فرض است که یک فرد قادر نیست منابع مورد نیاز برای رفع احتیاجات که ناشی از در معرض اتفاقات احتمالی قرار گرفتن است را بسیج کند و نیاز به کمک خارجی دارد (Kaske, 2005: 91). از نظر کاس که، ویژگی کلیدی رفاه اجتماعی این است که تحت نظارت قانون است، به طوری که افراد در مقابل هرگونه تصمیم دلخواه مؤسسه رفاه اجتماعی، پشتیبانی می‌شود.

مطابق با تقسیم‌بندی عام در جامعه‌شناسی، رویکردهای مربوط به رفاه، عمدتاً به دو نوع نگرش جمع‌گرایانه و فردگرایانه قابل تقسیم است؛ که به تبع آن، راه‌حلهایی نیز حول آن شکل گرفته است. طرفداران رویکرد فردگرایانه معتقدند که پیشرفت‌های رفاهی فقط حاصل تبادلات خرید و فروش افراد در بازار یا از طریق مکانیزم تولید محصولات (کالاهای مورد استفاده عموم) مورد نظر افراد می‌باشد که در بازار موجود نیست. طرفداران رویکرد جمع‌گرایانه، ضرورت‌های رفاهی را از بعد جمعی تعبیر و تفسیر می‌کنند. از نظر این رویکرد، پدیده‌های جمعی از لحاظ چگونگی کاهش فقر و محرومیت و میزان ارتقای مساوات با هم مقایسه می‌شوند و در آن، امکانات رفاهی بر اساس عملکرد مربوط به بالابردن میزان کالاهای مادی ارائه می‌شوند (یزدانی، ۱۳۸۲: ۳۵). با توجه به این دو رویکرد، طبقه‌بندی‌ای به همت لبوکس و وینلسکی از تئوری‌های مربوط به نظام‌های رفاهی ارائه شده است که رویکرد فردگرایانه، به عنوان مفهوم رسوبی یا ترمیمی شناخته می‌شود که طبق آن، مؤسسات تأمین اجتماعی هنگام

به هم خوردن وضعیت منابع خانواده‌ها و نیز پس از وقوع فقر و ناتوانی، وارد عرصه فعالیت می‌شوند، اما خود افراد در درجه اول مسئولیت قرار دارند. نگرش دوم که در مورد تأکید جمع‌گرایان است، عبارت است از نظریه نهادی که در این رویکرد دولت وظیفه دارد رأساً و قبل از وقوع نابسامانی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کند و تأمین اجتماعی، اولین عملکرد در دستور کار جامعه است (میجلی، ۱۳۷۸: ۱۴۰).

در راستای وظیفه دولت در زمینه رفاه اجتماعی، واژه عدالت و به ویژه عدالت اجتماعی مطرح می‌شود. هایک معتقد است عدالت اجتماعی باید مبتنی بر شایستگی افراد باشد و تأکید می‌نماید که مداخله دولت‌ها در برقراری رفاه برای تحقق عدالت اجتماعی، ناقض عدالت است. چرا که در چنین مداخله‌ای هرگز تخصیص کمک‌ها بر اساس شایستگی‌های افراد صورت نمی‌گیرد. با این حال بسیاری از صاحب‌نظران دیگر با چنین تفسیری از رابطه عدالت اجتماعی و رفاه موافق نیستند (گل‌پرور و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۳۲). یک جنبه مهم از مباحث مرتبط با رفاه اجتماعی، جنبه سیاسی آن است، که توجه به موضوع دولت رفاه نیز در آن چارچوب قابل طرح است. دولت رفاه به-نوعی بیانگر وجه کاربردی مباحث نظری رفاه اجتماعی به شمار می‌رود. که از اواسط قرن بیستم به صورت مشخص‌تری مطرح گردید و به جرأت می‌توان گفت که یکی از بارزترین عناصر در تفکر معاصر، ادغام نظریه رفاه در دولت است (یزدانی، ۱۳۸۲: ۳۶).

برخی از اندیشمندان، به وجود رابطه متقابل بین فرد و دولت اشاره دارند. برای نمونه کیلگور (۲۰۱۰) است که به‌طور ضمنی به این رابطه توجه دارد. وی می‌گوید: «برای بیشتر آمریکایی‌ها و خانواده‌های آنها، برنامه رفاه اجتماعی، مهم‌ترین برنامه دولت است. افراد کمی وجود دارند که مزایای رفاه اجتماعی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم برای آن‌ها مهم نباشد. تقریباً همه کارفرمایان، کارگران و اغلب خوداشتغال‌ها میزان قابل توجهی پول به سیستم می‌پردازند. با تضعیف مستمری‌های سنتی در بخش خصوصی، رفاه اجتماعی در آینده پراهمیت‌تر خواهد شد. تقریباً همه افراد روزی سالمند و از

کارافتاده خواهند شد. همه ما خویشاوندان و همسایگانی داریم که این مزایا را دریافت می‌کنند. رفاه اجتماعی به عنوان برنامه سالمندان، بازماندگان، از کارافتادگان و بیمه سلامت هم شناخته می‌شود (Kilgour, 2010: 41).

در رویکردهای نوین، بر مسئولیت جامعه در قبال آحاد مردم تأکید می‌شود که شامل شادکامی (خوب‌بودن و خوب‌عمل کردن)، تأمین (امینت درآمد، اشتغال و مسکن)، ترجیحات و نیازها، رهایی و مقایسه‌های نسبی است (فیتزپتریک، ۱۳۸۱: ۲۰). مفهوم نوین رفاه اجتماعی هم امروزه ضمن در برداشتن همه آن مفاهیم، متکی است بر مسئولیت جامعه در برابر آحاد مردم و ضرورت پذیرش این مسئولیت از سوی آنانی که به نوعی در فرآیند تولید، ضمن برخورداری از مزیت‌های جامعه (که حداقل آن عبارت است از بازار برای کالاهای تولیدی) لازم است که پیامدهای منفی ناشی از تولید خود را نیز پوشش دهند، که شکل توزیع درآمد می‌تواند نمادی از این پیامدهای منفی به شمار آید (یزدانی، ۱۳۸۲: a: ۳۷). در این راستا گیدنز طرفدار نوعی نظام رفاه مثبت است که بر مفهوم او از سیاست زندگی بنیان دارد. بدین معنای هر چند دولت رفاه به مردم کمک کرد تا با شرایط متغیری که پیش‌بینی‌پذیر بود (بیکاری، بیماری، سالمندی) تطبیق یابند، نظام رفاهی جدید باید مردم را قادر سازد تا در قبال شرایط آینده که پیش‌بینی‌پذیر نیست یا نمی‌تواند دقیقاً پیشگویی شود، زندگی‌های خود را با آگاهی و کنترل بیشتر فعالانه شکل دهند (فیتزپتریک، ۱۳۸۵: ۵۳-۵۲).

به‌طور کلی هدف همه کشورها، تشخیص دادن و عمیق‌شدن در مورد رفاه اجتماعی است. بسیاری از کشورها از جمله کشورهای کم‌درآمد یا بادرآمد متوسط، در پی درک حق رفاه اجتماعی برای جمعیت یا حداقل برای برخی جوانب خاص هستند. چالش کشورهای پردرآمد، گسترش مجدد پوشش رفاه اجتماعی برای اقشار آسیب‌پذیر، به اضافه حفظ پوشش فردی و سطوح مزایا است. از این رو، حق بهره‌مندی از رفاه اجتماعی مبنای راهبردهای ملی برای گسترش پوشش رفاه اجتماعی است (Gunneken, 2009: 232). با تعریفی جامع‌تر می‌توان گفت که برنامه‌های رفاه اجتماعی

شامل همه برنامه‌هایی است که به‌طور ویژه در جهت رفاه افراد و خانواده است و از هزینه‌های مربوط به قانون، نظم، امکانات اجتماعی و خدمات عمومی مجهز است. گستره چنین برنامه‌هایی در همه کشورهای صنعتی تا حد زیادی مشابه است، اگرچه تفاوت‌های فاحشی در اولویت‌ها و تأکید بر آن‌ها وجود دارد. تدارکات سازماندهی شده اجتماعی برای حفظ درآمد، خدمات بهداشتی، تحصیل، مسکن و خدمات فردی و حمایتی یکی از ویژگی‌های لازم و اساسی دنیای مدرن است (Idac, 1978: 118).

الگوهای گوناگون دولت رفاه

الف) دیدگاه لیبرال رفاه اجتماعی که به یک تعبیر الگوی مورد نظر رژیم‌هایی مانند رژیم آمریکا می‌باشد. در این رژیم‌ها دولت نقش چندانی در توزیع ثروت ندارد و سیاست‌های رفاه در این نظام کمک چندانی به کاهش اختلاف طبقاتی نمی‌کند. در چنین رژیمی، دولت در بهترین حالت مزایای محدودی را ارائه می‌دهد که آن‌هم عمدتاً برای گروه‌هایی که در فقر مطلق به سر می‌برند در نظر گرفته شده‌اند. در این رژیم‌ها بخش وسیعی از مزایا و بیمه‌های اجتماعی در حوزه‌هایی مانند بهداشت و درمان، مراقبت‌های اجتماعی از کودکان، سالمندان و کسانی که از ناتوانی‌های جسمانی رنج می‌برند و نیز آموزش و پرورش، مسکن و موارد دیگر کاملاً خصوصی اداره می‌شوند و هر شهروند بسته به استطاعت و توان مالی می‌تواند خود را بیمه کند و از خدمات گوناگون برخوردار شود. نتیجه آن می‌شود که در این کشورها، عمدتاً این گروه‌های مرفه اجتماعی هستند که قادر به پرداخت هزینه‌های سنگین برای بیمه‌های گوناگون و یا پرداخت شهریه‌های مدارس ملی و... هستند. حال آن که طبقات ضعیف‌تر از این مزایا محروم هستند. پس در جوامعی که دولت رفاه لیبرال در آنها برقرار است دور تسلسل فقر همچنان تداوم می‌یابد.

ب) رژیم‌های موسوم به محافظه‌کار یا دموکرات مسیحی که از جمله، دربرگیرنده دولت‌های رفاه در آلمان، فرانسه، بلژیک و درجات ضعیف‌تری ایتالیا و اسپانیا می‌باشد. در این رژیم‌ها، بر خلاف نوع قبلی، دولت‌ها نقش فعالی در ارائه خدمات و کم هزینه‌های گوناگون بر عهده دارند. در این نظام‌ها همچنین، حقوق اجتماعی‌ای برای کلیه شهروندان در نظر گرفته شده است که موجب می‌شود با برخورداری از مزایای گوناگون همه آحاد جامعه از سطح زندگی نسبتاً شرافتمندانه‌ای برخوردار شوند. اما نکته مهم درباره رژیم‌های دموکرات مسیحی آن است آن‌ها هیچ برنامه‌ای برای کاهش سطح اختلافات طبقاتی در جامعه ندارند. این رژیم‌ها با وابسته کردن سطح مزایای اجتماعی به سطح درآمدها و یا به طبقات و گروه‌های گوناگون اجتماعی موجب شده‌اند که اختلاف طبقاتی در این جوامع پایدار بماند. به بیان دیگر، بیمه‌ها و مزایای اجتماعی در این سیستم‌ها، غالباً به شغل و جایگاه هر فرد در بازار کار مربوط شده، و با میزان درآمد هر فرد رابطه‌ای مستقیم دارد. در این نظام‌ها، خانواده و کلیسا همچنان نقش مهمی در ارائه برخی خدمات اجتماعی بر عهده دارند.

ج) دولت‌های رفاه اسکاندیناوی و یا به اصطلاح دولت‌های رفاه سوسیال دموکراتیک که عمدتاً در آن، برای مؤسسات رفاه و برنامه‌های مربوط به آن می‌توان چهار وظیفه متصور شد که اجرای این چهار وظیفه می‌تواند تأمین‌کننده رفاه گروه‌های ویژه اجتماعی باشد:

الف) وظیفه توان‌بخشی و درمانی: که هدف از آن ارائه خدمات گوناگون درمانی و فنی است، تا افراد مورد نظر به بیشترین توانایی و قابلیت‌های جسمانی، روانی و شخصیتی نائل گردند. معمولاً این قبیل خدمات در قالب توان‌بخشی پزشکی و توان‌بخشی حرفه‌ای مطرح می‌شود.

ب) وظیفه حمایتی: که در طول مدتی که فرد از خدمات توان‌بخشی پزشکی و حرفه‌ای برخوردار است به صورت توان‌بخشی اجتماعی و با همیاری و مشارکت خانواده و سازمان‌های گوناگون انجام می‌گیرد.

ج) وظیفه پیشگیری: که ارائه برنامه‌ها و خدمات اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی است تا به طور کلی از ایجاد و گسترش معلولیت‌های گوناگون و محرومیت‌های گوناگون جلوگیری کند.

د) وظیفه توسعه‌ای: که نهایتاً نتیجه و حاصل سه وظیفه قبلی است (زاهدی‌اصل، ۱۳۸۱: ۷۳-۷۲).

شاخص‌های رفاه اجتماعی

پاتنام در مورد رفاه اجتماعی به این مسئله اشاره دارد که رفاه اجتماعی را می‌توان اندازه گرفت و این قابلیت، به ما اجازه می‌دهد رفاه‌های فردی را با هم ترکیب کنیم و سطح متراکم رفاه اجتماعی را در مجموع اندازه بگیریم. پیگو اقتصاددان رفاه، استدلال می‌کند که مقایسه‌های بین‌افراد می‌توانند صورت گیرد، زیرا بهزیستی مقوله‌ای است که به آمال و آرزوها ارتباط دارد و آرزوها را می‌توان بر مبنای معیارهای پولی اندازه‌گیری کرد. به عبارت دیگر هرچه تمایل من برای پرداخت، بابت چیزی بیشتر باشد، آرزوی من شدیدتر است و بر این مبنای، دسترسی یا تملک آن شیء موجب بالارفتن سطح رفاه و بهزیستی من می‌شود (زاهدی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱۶-۱۱۵). اندیشمندان گوناگون، شاخص‌های متفاوتی را برای سنجش رفاه اجتماعی به کار می‌برند. در این زمینه آیداک (۱۹۷۸) شاخص میزان منابعی که یک جامعه به رفاه اجتماعی اختصاص می‌دهد را معرفی می‌کند. برگسون و ساموئلسون رفاه را تابعی از مطلوبیت افراد گوناگون می‌داند و برای اینکه رفاه قابلیت اندازه‌گیری داشته باشد، تابع مطلوبیت را به دو متغیر مصرف و فراغت تقسیم نمودند. هرسانی نیز در سال ۱۹۵۵ تابع رفاه خود را به صورت مجموع وزنی مطلوبیت‌های افراد بیان نمود (صادقی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۴۷-۱۴۶).

در دهه ۱۹۷۰ درآمد سرانه به عنوان معیار رفاه مردم در نظر گرفته می‌شد. با در نظر گرفتن چنین سنجه‌ای، رشد اقتصادی محور اصلی توسعه ملت‌ها بود. به مرور زمان

عدم توجه لازم به مفهوم عدالت در به دست آوردن فرصت‌های مناسب بین افراد یک جامعه، باعث گردید تا ایرادات جدی به این شاخص وارد شود (همان، ۱۴۴).

آمارتیا سن (۱۳۸۱) رفاه فرد را دستاورد خود فرد می‌داند که با توجه به کارکرد یا وظایفی است که بر عهده دارد. عملکرد افراد به سه مقوله یا دسته طبقه‌بندی می‌شود: (۱) عملکردهای جسمانی شامل امید به زندگی، تغذیه مناسب، مسکن و سرپناه، و نبود بیماری؛ (۲) عملکردهای سیاسی - اجتماعی شامل امنیت شخصی، مشارکت در زندگی اجتماعی و سیاسی، و مصونیت در برابر اعمال تبعیض نژادی؛ و (۳) عملکردهای فکری و زیباشناختی شامل توانایی فکری برای مواجهه با مشکلات زندگی، شکوفایی توان فکری بالقوه از طریق مشارکت در پیشرفت دانش بشری، و شکوفایی توان زیباشناختی بالقوه از طریق ابراز آزادانه استعدادها و خلاق با مشارکت در رویدادهای زیباشناختی.

اقتصاددانان و مؤسسات بین‌المللی طی سی سال اخیر، توجه ویژه‌ای به شاخص‌هایی داشته‌اند که علاوه بر متغیرهای اقتصادی، دربرگیرنده متغیرهای اجتماعی و انسانی نیز می‌باشند. بر این اساس، شاخص‌هایی مانند شاخص پایداری رفاه اقتصادی، شاخص توسعه انسانی و شاخص خشنودی، استاندارد و کیفیت زندگی شکل گرفت (صادقی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۴۹).

شاخص‌هایی که در ایران توسط کارشناسان، محققان و سازمان‌های گوناگون به کار گرفته شده معیارهای عینی‌ای است که بر آمارهای منتشره از سوی مرکز آمار ایران و سایر سازمان‌های دولتی مبتنی می‌باشد. این شاخص‌ها، معمولاً در دو گروه اصلی و فرعی مورد بحث قرار می‌گیرد که عبارتند از:

شاخص‌های اصلی شامل: آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، تغذیه، مسکن، اشتغال، جمعیت و نیروی انسانی، درآمد و هزینه و تأمین اجتماعی می‌باشد. شاخص‌های فرعی شامل: گذران اوقات فراغت و دسترسی به تسهیلات فرهنگی،

محیط زیست و امنیت فرد در برابر تجاوزات مالی و جانبی می باشد که به معیارهای اصلی هشت گانه، اضافه می شود (زاهدی اصل، ۱۳۸۱: ۱۱۵).

به طور کلی شاخص های رفاه اجتماعی را می توان به دو گروه تقسیم بندی نمود: (الف) شاخص های کمی و (ب) شاخص های کیفی.

(الف) شاخص های کمی، که شامل موارد زیر است:

۱) اشتغال کامل: منظور از اشتغال کامل وضعی است که در آن هرکس قادر و مایل باشد بتواند شغل مناسبی برای خود بدست آورد. در شرایط اشتغال کامل هرکس باید در شغل تخصصی خود مشغول بوده و در تولید متناسب با تجربه با تخصص خود مؤثر باشد، به عبارت دیگر در اشتغال کامل، نرخ بیکاری پنهان نیز بسیار پایین است.

۲) تولید (درآمد) سرانه: از درآمد سرانه اغلب به عنوان شاخص سطح زندگی و توسعه استفاده می شود. البته این شاخص کاملاً رسا نیست؛ زیرا نمایانگر چگونگی توزیع درآمد و مالکیت دارایی ها (که بخشی از آن ایجاد درآمد می کند) نیست.

۳) نوآوری و خلاقیت: کاربرد اختراعات و روش های جدید تولید در فعالیت های مربوطه به تولید و همچنین معرفی محصولات جدید از دیگر شاخص های رفاه اجتماعی است. گذشته از آن نوآوری هایی شامل معرفی روش های جدید اجتماعی و نهادی برای سازماندهی و مدیریت متناسب با راه های جدید انجام فعالیت های اقتصادی هم می شود.

۴) سطح بالای زندگی: میزان رضایت از تحقق خواست های مادی و معنوی، شخص، خانواده یا گروهی از مردم را سطح زندگی گویند. اگر افراد تنها قادر به تأمین حداقل مواد غذایی، مسکن و پوشاک خود باشند، گفته می شود که سطح زندگی آنان بسیار پایین است.

۵) امید به زندگی در بدو تولد: منظور از امید به زندگی در بدو تولد، تعداد سال هایی است که انتظار می رود کودک بعد از تولد زندگی کند. با توجه به خطر مرگ

و میر که برای گروه‌های گوناگون سنی جمعیت اتفاق می‌افتد، بدیهی است هر چه امید به زندگی در بدو تولد بیشتر باشد، رفاه اجتماعی بیشتر خواهد بود.

۶) نرخ باسوادی: نرخ باسوادی عبارت است از درصد افرادی که ۱۵ سال و بالاتر سن دارند و قادر به خواندن و نوشتن هستند. هر چه جمعیت باسواد بالاتر باشند، رفاه بیشتر خواهد بود.

۷) وجود کالاهای ضروری برای همه: کالاهای ضروری کالاهایی هستند که ادامه زندگی شایسته بدون آن‌ها ممکن نیست. مانند غذا، پوشاک، مسکن، حمایت و مراقبت‌های پزشکی، دسترسی همه افراد به این گروه از کالاها یکی دیگر از شاخص‌های رفاه اجتماعی محسوب می‌شود.

۸) نرخ پایین رشد جمعیت: هر چه نرخ رشد جمعیت کمتر باشد، کیفیت نیروی انسانی بالاتر می‌رود و محصول تولید شده و درآمد حاصل از رشد به شکل عادلانه‌تری بین جمعیت توزیع می‌گردد. بدین ترتیب رفاه اجتماعی افراد جامعه بالاتر می‌رود.

۹) نرخ پایین مرگ و میر کودکان: هر چه هزینه‌های بهداشتی یعنی طب پیشگیری برای مصون‌سازی در مقابل بیماری‌ها بیشتر و هزینه‌های درمان کمتر باشد جامعه مرفه‌تر می‌باشد.

۱۰) منافع اجتماعی تولید کالاها و خدمات: هر چه منافع حاصل شده یا در دسترس کل اجتماع، در مقابل منافع شخصی افراد (از جمله حمایت و امنیت که توسط نیروهای انتظامی فراهم می‌شود، صرفه‌جوئی‌های ناشی از نظام مؤثر عرضه خدمات بهداشتی، اثرات وسیع و گسترده منافع جمعیت باسواد و...) بیشتر باشد، رفاه اجتماعی بیشتر است.

۱۱) توزیع درآمد: توزیع درآمد، یعنی درآمد حاصل از تولید چگونه به عامل تولید تعلق می‌گیرد یا سهم بخش‌های اقتصادی از درآمد حاصله چقدر است؟

۱۲) شاخص توسعه انسانی: شاخص توسعه انسانی میانگین موفقیت‌های کشور را در سه بعد اصلی طول عمر، دانش و سطح مطلوب زندگی برآورد می‌کند.

۱۳) نرخ مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی: نسبت تعداد افرادی که در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی مشارکت دارند به جمعیتی که در سن فعالیت قرار دارند و محدودیتی برای فعالیت‌های اجتماعی ندارند. هرچه نرخ مشارکت مردم در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی بیشتر باشد رفاه جامعه بیشتر می‌شود.

۱۴) معیار تقویت جنسیتی: این معیار نشان‌گر آن است که آیا زنان می‌توانند فعالانه در زندگی اقتصادی و سیاسی شرکت کنند یا نه؟ معیار تقویت جنسیتی بر مشارکت استوار است و به ارزیابی نابرابری جنسیتی در عرصه‌های کلیدی مشارکت اقتصادی و سیاسی و تصمیم‌گیری‌ها نظر دارد.

۱۵) نرخ پوشش بیمه‌های درمانی و بازنشستگی: بیمه‌های تأمین اجتماعی، درمانی و بازنشستگی جمعیت، موجب تأمین هزینه‌های درمانی و درآمد دوران بیکاری و بازنشستگی می‌گردد. هر چه افراد تحت پوشش انواع بیمه‌ها بیشتر باشد، رفاه اجتماعی بیشتر خواهد بود.

ب) شاخص‌های کیفی، که در برگزیده موارد زیر است:

۱) آزادی انتخاب یک جامعه: جامعه‌ای که برای برآوردن خواست‌هایش راه‌حل‌های گوناگونی در اختیار دارد، از آزادی انتخاب برخوردار است.

۲) آرمان‌های نوسازی: شامل منطقی بودن برنامه‌ریزی اقتصادی، برابری اقتصادی و اجتماعی و نهادها و برداشت‌های اصلاح شده است.

۳) اراده سیاسی: منظور از اراده سیاسی، تصمیم‌های قاطعانه، آگاهانه، هدف‌دار و مستقل، نتیجه‌گیری‌ها و انتخاب‌های مشخص، مقاومت‌های سیاسی مملکت در زمینه‌هایی نظیر از بین بردن نابرابری، فقر و بیکاری از طریق اصلاحات گوناگون در ساخت‌های اجتماعی، اقتصادی و نهادی است. فقدان اراده سیاسی اغلب یکی از مهمترین موانع توسعه و دلیل عمده شکست بسیاری از برنامه‌های رفاه اجتماعی است.

تبیین رفاه اجتماعی و تأثیر آن بر احساس... ۲۰

۴) عزت نفس: ایجاد شرایطی که موجب رشد عزت نفس مردم شود و مردم به خود و جامعه احترام بگذارند و بتوانند عقاید گوناگون درون خود را تحمل نمایند، سبب ارتقای سطح رفاه می‌گردد.

۵) ثبات و امنیت جامعه: ثبات و امنیت به عنوان بستر اصلی هر گونه فعالیت مثبت اقتصادی و اجتماعی، مورد تأکید و عنایت ویژه کلیه مکاتب و مسلک‌ها است. با توجه به شاخص‌های ذکر شده، در این مطالعه رفاه اجتماعی در دو بعد فردی- خانوادگی و دولتی- نهادی مورد سنجش قرار گرفته که شاخص‌های هر کدام از این ابعاد در قسمت معرفی گویه‌های سنجش متغیرها ذکر شده است.

اشاره‌ای اجمالی به بررسی علمی رفاه اجتماعی و تحقیقات انجام‌شده مرتبط

با این پژوهش

تحقیقات بین‌المللی حرفه‌ای و سازمان‌دهی شده در زمینه رفاه اجتماعی به قرن ۱۹م، برمی‌گردد، یعنی زمانی که مذهب‌یون، در اروپا و آمریکای شمالی، برای تبادل عقاید و تجربیات خود، ملاقات‌هایی داشتند و این ملاقات‌ها منجر به ایجاد همکاری‌های داوطلبانه در سطح بین‌المللی شد، از جمله: درباره رفاه بین‌الملل. در سال ۱۹۲۸، با هدف سازمان‌دهی فعالیت‌های رفاهی بین‌المللی، شورایی به صورت رسمی کار خود را آغاز کرد. فعالیت این سازمان‌ها با خدمات سازمان‌هایی بین‌دولتی رسمی، مرتبط بود. اولین سازمان بین‌دولتی با موضوع اشتغال بود که در سال ۱۹۱۹، با هدف بهبود رفاه اشتغال و وضعیت استخدامی، تأسیس گردید. اولین مطالعات آکادمیک در زمینه رفاه اجتماعی بین‌المللی، توصیفی بود؛ یکی از ابتدایی‌ترین آن‌ها، که از اهمیت تاریخی قابل توجهی برخوردار است، مطالعه لوسی میر در زمینه رفاه اجتماعی در بریتانیا است. در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰، مطالعات رفاه اجتماعی بین‌المللی به طور منظم شروع شد. تعدادی از این مطالعات سعی دارند توضیح دهند که چرا دخالت دولت در

تبیین رفاه اجتماعی و تأثیر آن بر احساس... ۲۱

برنامه‌های رفاهی، در قرن بیستم به میزان زیادی، توسعه یافته است (میجلی، ۱۳۷۸: ۱۲۰).

● ربانی و همکارانش در مقاله‌ای با عنوان «**رابطه ابعاد مادی و غیر مادی رفاه اجتماعی با مشارکت شهروندان در امور شهری**» بر اساس روش پیمایش به این نتایج دست یافتند که بیشتر شهروندان اصفهانی، مشارکت بالایی در امور شهری داشته و بین ابعاد غیرمادی رفاه اجتماعی و مشارکت شهروندان در امور شهری، رابطه معنادار خطی حاصل آمده است. هر قدر اعتماد نهادی و رضامندی اجتماعی و شهروندان در حد بالا و احساس محرومیت آنان در حد پایینی باشد، به همان اندازه، مشارکت آنان در امور شهری بیشتر خواهد بود (ربانی و دیگران، ۱۳۸۸).

● زاهدی و همکارانش در مقاله‌ای تحت عنوان «**رابطه سرمایه اجتماعی با رفاه اجتماعی**»، به این نتیجه رسیدند، که بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی، رابطه‌ی مثبتی وجود دارد. همچنین کلیه شاخص‌های مطرح در این تحقیق برای سرمایه اجتماعی (اعتماد، هنجارهای اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی) نیز با رفاه اجتماعی رابطه مثبت دارد. نتایج بدست آمده در این تحقیق منطبق با آراء پاتنام است (زاهدی و دیگران، ۱۳۸۸).

● بیات در رساله دکتری‌اش با عنوان «**عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس امنیت در شهر تهران در سال ۱۳۸۷**» از متغیرهایی چون عوامل فردی و خانوادگی، میزان بروز جرائم، انتظار از پلیس، در معرض جرم واقع شدن، تأمین و رفاه اجتماعی، پرداخت رسانه‌ای، سرمایه اجتماعی و فضای شهری در رابطه با احساس ناامنی استفاده نموده است، که بین متغیر رفاه اجتماعی و احساس امنیت رابطه معنی‌دار و مستقیم به دست آمده است (بیات، ۱۳۸۷).

● نتایج تحقیق ویل و مک‌گراد با عنوان «**احساس امنیت، طرز تلقی‌ها از محل زندگی و طبقات پایین (جامعه)**» نشان می‌دهد که افرادی که به عنوان افراد طبقه

پایین، رده‌بندی می‌شوند- به ویژه، افرادی که زیر خط فقر قرار می‌گیرند، اقلیت‌ها و آن‌هایی که یک دوره بیکاری را تجربه کرده‌اند و کمتر از خدمات رفاه اجتماعی بهره‌مند شده‌اند- بدون توجه به جنسیت، سن، بزرگی شهر و دیگر عوامل، احساس امنیت کمتری ابراز نموده‌اند. که از دیدگاه آنان، این نگرانی از بابت کافی نبودن اقدامات انجام‌گرفته برای حمایت و محافظت از آن‌ها در برنامه‌های رفاه می‌باشد (Will&McGrath, 1995).

● میسلی و همکارانش در تحقیقی با عنوان «احساس ناامنی در ایتالیا، میزان انتشار و عوامل تعیین کننده»، به این نتایج دست یافته‌اند که: عوامل غیر اجتماعی- جمعیتی، تأثیر شدیدتری بر احتمال احساس ناامنی دارد. به ویژه سطح تحصیلات و بالاتر از همه ارزیابی شخصی از وضعیت اقتصادی خانواده می‌باشد. شرایط اقتصادی مطلوب یک خانواده تأثیر مثبتی بر احساس امنیت افراد داشته است و بالعکس. این امر نشان‌دهنده اهمیت توانایی‌ها و سرمایه‌هایی است که طبقات گوناگون جامعه هنگام رویارویی با احساس ناامنی داشته‌اند (Miceli&Others, 2004).

چارچوب نظری تحقیق

در تبیین رفاه اجتماعی در حوزه جامعه‌شناسی، دیدگاه‌ها و نظریات گوناگون مطرح گردیده است که با توجه به متغیرهای مرتبط با این پژوهش، به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

در مورد رابطه توسعه اجتماعی چهار دیدگاه وجود دارد.

الف- دیدگاه اجتماع‌گرایی: اجتماع‌گرایان سرمایه‌های اجتماعی را با سازمان‌های محلی چون باشگاه‌ها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی برابر می‌پندارند. اجتماع‌گرایان بر این اعتقادند که سرمایه‌های اجتماعی هرچه بیشتر باشد اثر آن در رفاه اجتماعی بیشتر است.

اما شواهد در جهان در حال توسعه نشان می‌دهد که صرف دارا بودن سطح بالای همبستگی اجتماعی با گروه‌های غیررسمی لزوماً به رفاه اقتصادی نمی‌انجامد.

ب- دیدگاه شبکه‌ای: بر این اعتقاد است که گروه‌های فقیر با وارد شدن در شبکه‌های اجتماعی از رفاه بیشتری برخوردار گردند. شبکه‌ها به افراد این اطمینان را می‌دهند که با تبدیل دانش و تجربه بتوانند انسجام درونی خود را تعریف کرده و در نهایت در برابر مشکلات مقاومت بیشتری داشته باشند.

ج- دیدگاه نهادی: در این دیدگاه شبکه‌های اجتماعی عمدتاً محصول محیط سیاسی، قانونی و نهادی است.

د- دیدگاه همیاری: این دیدگاه از تلفیق دو دیدگاه شبکه‌ای و نهادی بوجود آمده است. بر اساس این دیدگاه دولت و جامعه هیچ‌کدام به طور ذاتی در توسعه مؤثر نیستند. تأثیری که دولت‌ها به گروه‌های مدنی بر تحقق اهداف جمعی می‌گذارند متغیر است. دولت‌ها، بنگاه‌ها و اجتماعات به تنهایی فاقد منابع لازم برای ترویج توسعه گسترده و پایدار هستند. به همین دلیل لازم است هم در درون و هم در ورای بخش‌های گوناگون پدیده مشارکت شکل بگیرد. دولت می‌تواند در تسهیل توسعه نقش مؤثری را ایفا کند زیرا وظیفه دولت تأمین کالاهای عمومی (پول، پول رایج و باثبات، بهداشت عمومی و آموزش همگانی) و اعمال‌کننده حاکمیت قانون (حق مالکیت، دادرسی عادلانه، آزادی بیان و ایجاد تشکیلات) است.

طبق دیدگاه اجتماع‌گرایی، سرمایه اجتماعی با سازمان‌های محلی چون باشگاه‌ها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی برابر است. این دیدگاه بر این اعتقاد می‌باشد که سرمایه‌های اجتماعی هرچه بیشتر باشد، اثر آن در رفاه اجتماعی بیشتر است. (Woolcock&Narayan, 2000) زاهدی و دیگران با مرور نظریات سرمایه اجتماعی از یک طرف و رفاه اجتماعی از سوی دیگر به این نتیجه رسیده‌اند که: «در آراء همه‌ی صاحب‌نظران سرمایه اجتماعی این دلالت ضمنی وجود دارد که سرمایه اجتماعی از

طریق تسهیل کردن روابط اجتماعی موجباتی را فراهم می‌سازد که افراد بهتر و ساده‌تر بتوانند منافع فردی و گروهی خود از جمله منافع اقتصادی را دنبال کنند و از آنجا که در معنای مستقیم رفاه اجتماعی نیز دلالت صریح بهره‌مندی از مواهب اجتماعی برای فراهم ساختن امکانات زندگی بهتر و آسوده‌تر وجود دارد که خود از طریق کسب درآمد بیشتر قابل حصول است، پس می‌توان پلی ارتباطی میان این دو مفهوم اجتماعی برقرار کرد که معرف همبستگی میان سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی باشد و بازگویی آن باشد که با ذخیره‌سازی سرمایه اجتماعی بیشتر می‌توان شرایطی را فراهم ساخت که به سطح بالایی از رفاه اجتماعی دست یافت (زاهدی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱۸).

نخستین تحلیل منظم از سرمایه اجتماعی به وسیله بوردیو صورت گرفته است. کاربرد سرمایه اجتماعی نزد وی بر این درک استوار است که افراد چگونه با سرمایه‌گذاری بر روابط گروهی، وضعیت اقتصادی خود را در یک فضای اجتماعی سلسله‌مراتبی بهبود می‌بخشند. دیدگاه بوردیو در باب سرمایه اجتماعی بیش از حد ابزاری است و آن را چیزی می‌داند که افراد یا طبقات به کار می‌بندند تا به منافع اقتصادی خود دست یابند. اگر سرمایه اجتماعی نتواند باعث رشد سرمایه اقتصادی گردد کاربردی نخواهد داشت (همان، ۱۱۲).

پاتنام معتقد است که با وجود عدم توافق در منابع موجود بر سر این که سرمایه اجتماعی چگونه تعریف شود، نویسندگان با یکدیگر هم‌عقیده‌اند که این امر شامل مجموعه‌ای از اجزای یافت‌شده در ارتباطات و تعاملات بین مردم است و هنگامی که فعال شود، به افراد نیرو و توان بخشیده و همکاری در جهت سود مشترک را آسان می‌کند. در اصل، سرمایه اجتماعی به شبکه‌های پشتیبان اجتماعی، نهادهای محلی، هنجارها و ضوابط مشترک اعتماد و تعاملات دو سویه و فعالیت‌های جمعی بین اعضای جامعه که می‌تواند برای ایجاد فواید همگانی مورد استفاده قرار گیرد، اشاره دارد. (Ferguson&Mindel, 2007: 32)

یکی از اصولی که منجر به سطح رفاه بهتر افراد می‌شود، اشتغال است. پاتنام در نظریات خود به رابطه این مقوله با سرمایه اجتماعی می‌پردازد. وی در تحلیل کارکرد نهادهای دینی مانند کلیساهای غربی تصریح می‌کند که برخی از کلیساها به ایجاد مراکز کاریابی می‌پردازند و با استفاده از سرمایه‌ی شهرتی که دارند برای اعضای خود که ممکن است محکومان سابق، معتادان سابق به مواد مخدر، یا افرادی که مدرسه را ترک گفته‌اند باشند همچون ادارات غیررسمی اعتبار، عمل می‌کنند. در اینجا سرمایه اجتماعی، همچون شکل‌های متعارف سرمایه برای وام‌گیرندگان معمولی، تضمینی برای زنان و مردانی است که از بازارهای عادی اعتبار یا کار حذف شده‌اند. در اصل، کسانی که در این فرآیند شرکت دارند ارتباطات اجتماعی خود را به کار می‌گیرند و از هرم سرمایه اجتماعی برای بهبود کارایی بازار استفاده می‌کنند (خاندوزی، ۱۳۸۴: ۷۵).

پاتنام در نظریات خود، سرمایه اجتماعی را با سه مؤلفه (اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها) مفهوم‌سازی می‌کند. مطابق نظر وی، اعتماد اجتماعی، هنجارهای معامله متقابل، شبکه‌های مشارکت‌مدنی و همکاری مؤفقیّت‌آمیز متقابلاً همدیگر را تقویت می‌کنند. وجود نهادهای همکاری‌جویانه کارآمد، مستلزم مهارت‌ها و اعتماد بین اشخاص است اما آن مهارت‌ها و این اعتماد نیز به نوبه خود به وسیله همکاری سازمان‌یافته تلقین و تقویت می‌شوند. هنجارها و شبکه‌های مشارکت‌مدنی به رفاه اقتصادی کمک می‌کنند و نیز به نوبه خود به وسیله رفاه تقویت می‌شوند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۵). آمارتیا سن (۱۳۸۱) در کتاب «توسعه به مثابه آزادی» به رابطه مثبت و سازنده میان توسعه اقتصادی و سرمایه اجتماعی اشاره می‌کند. به نظر وی تقویت سرمایه اجتماعی، به عنوان ابزاری جهت تحقق سریع‌تر، سالم‌تر و پایدارتر توسعه اقتصادی و سیاسی نقش‌آفرین خواهد بود. رابرت لوکاس بنیانگذار نظریه انتظارات عقلانی، به این امر می‌پردازد که انباشت سرمایه‌انسانی اساساً یک فعالیت اجتماعی است که با حضور گروه‌های مردمی و تعامل آنها برای بالا بردن بهره‌وری و بهزیستی اجتماعی امکان‌پذیر است.

- تأثیرات سرمایه اجتماعی در اقتصاد به گفته خاندوزی (۱۳۸۴) عبارتند از:
- کاهش هزینه مبادلاتی در اقتصاد و در نتیجه کاهش هزینه تولید و افزایش سرعت مبادلات؛
 - تسهیل تأمین مالی پروژه‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها و عقد قراردادهای و در نتیجه امکان حمایت از خلاقیت‌ها و رشد نوآوری و فناوری؛
 - کاهش آسیب‌های مالی و اجتماعی در دوران رکود هم برای بنگاه‌ها و هم افراد آسیب‌پذیر و اهتمام به تعاون عمومی و توازن اجتماعی؛
 - کاهش فساد مالی و اقتصادی از طریق بخش خصوصی رقابتی و نظارت بر حوزه عمومی؛
 - افزایش رقابت اقتصادی از طریق فرهنگ و انگیزه شکل‌گیری گروه و شرکت‌های اقتصادی و زمینه انتقال تجارب؛
 - افزایش بهره‌وری نیروی کار از طریق آرامش حاصله و انگیزش مناسب در خانواده، گروه‌های کاری و اتحادیه‌ها؛
 - بالارفتن هماهنگی دولت-شهروندان و اثربخش بودن سیاست‌های اقتصادی دولت به دلیل اعتماد عمومی (همان، ۷۴-۷۳).
- یافته‌های تجربی متعدد، اهمیت سرمایه اجتماعی را در ارتقای سطح توسعه (اقتصادی) جوامع نشان می‌دهند، از آنجا که سطح توسعه یافتگی به طور بی‌واسطه‌ای معرف سطح رفاه اجتماعی همگانی است، ارتباط میان سرمایه اجتماعی و توسعه را می‌توان به ارتباط میان سرمایه اجتماعی و رفاه تأویل کرد و نتیجه گرفت که وجود سرمایه اجتماعی بالا می‌تواند سطح بالاتری از رفاه اجتماعی را تأمین کند (زاهدی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱۰). طبق دیدگاه شبکه‌ای، گروه‌های فقیر با وارد شدن در شبکه‌های اجتماعی از رفاه بیشتری برخوردار می‌گردند؛ شبکه‌ها به افراد این اطمینان را می‌دهند که با تبدیل دانش و تجربه بتوانند انسجام درونی خود را تعریف کرده و در نهایت در برابر مشکلات مقاومتی بیشتری داشته باشند. (Woolcock&Narayan, 2000)

فقر و فاصله طبقاتی، برهم‌زننده تعادل اجتماعی است و رفاه اجتماعی و توزیع آن را آسیب‌پذیر ساخته و ثبات سیاسی و اجتماعی جامعه را ناپایدار می‌سازد (حق‌جو، ۱۳۸۱: ۷۷). مارکسیسم نوعاً بینشی عرضه می‌کند که بیشتر معطوف نابرابری است تا برابری، و بر این فکر مبتنی است که دارندگان ثروت، به سبب توزیع نابرابر عوامل تولید، مکنث خود را از طبقات دیگر دزدیده‌اند. بنابراین نظام‌ها و نهادهای اجتماعی را اساساً باید به مثابه مظاهر نابرابری‌های طبقاتی و نیز نابرابری در مالکیت عوامل بازتولید در طول زمان و مکان قلمداد کرد (فیتزپتریک، ۱۳۸۵: ۷۳).

در این راستا نبود امکانات اجتماعی و مادی (رفاه اجتماعی) بر وضعیت امنیت اجتماعی افراد متعلق به طبقه فرودست مؤثر است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که افراد متعلق به خانواده‌های با محرومیت‌های چندگانه، در مقایسه با افرادی که در خانواده‌های مرفه زندگی می‌کنند، سه برابر بیشتر احساس ناامنی می‌کنند. بر اساس این جنبه آسیب‌پذیری، موضوع‌های مهمی مطرح می‌شود:

- مردمی که در مناطق محروم و فقیر زندگی می‌کنند، احساس می‌کنند که کمتر قادرند از دارایی‌های خود در مقابل تهدید قربانی شدن محافظت نمایند، چرا که هزینه و نه انتخاب، اغلب این که خانواده آنها وسایل لازم امنیتی را داشته باشد یا نه، به آنها تحمیل و دیکته می‌کند.

- در جایی که قربانی شدن به لحاظ جنایی منجر به از دست‌دادن دارایی است، تأثیر جرم می‌تواند برای افراد بدون بیمه وسایل خانه، بیشتر و قابل توجه‌تر باشد.

- افراد فقیر به‌طور بالقوه بیشتر در معرض وضعیت‌های تهدیدکننده هستند. به علت اتکای بیشتر بر حمل و نقل عمومی که نتیجه عدم وجود وسیله حمل و نقل شخصی یا عدم توانایی مالی برای هزینه تاکسی می‌باشد.

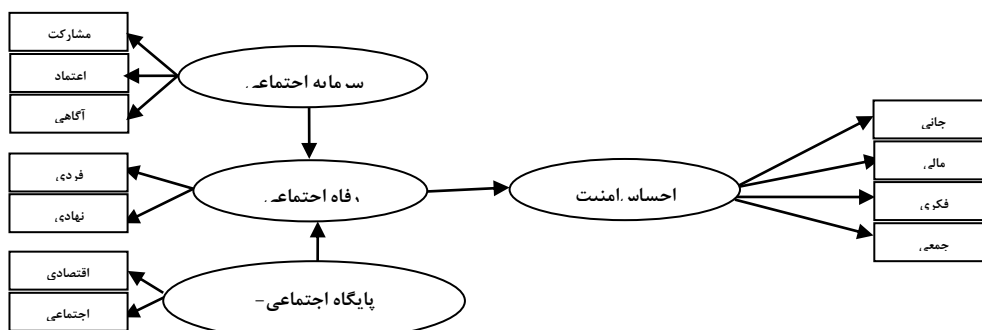
- افراد فقیر در مناطقی زندگی می‌کنند که دچار درجه‌ی بالاتری از جرم و خشونت است و هر دو آنها احساس ناامنی را افزایش می‌دهد. سرانجام، افرادی که در

فقر به سر می‌برند، فاقد شبکه‌های اجتماعی‌ای هستند که دیگران از آن برخوردار هستند و تأثیرات قربانی‌شدن را اصلاح کرده و بهبود می‌بخشد.

هال (۱۹۹۶) چنین نتیجه می‌گیرد که نبود منابع اجتماعی و مادی ممکن است بدان معنا باشد که آن‌ها کمتر قادر به مقابله با قربانی‌شدن در سطح فردی هستند و در سطح اجتماعی، فقدان ارتباطات، توانایی سازمانی و شبکه‌های سیاسی موجود در محل‌های با سطح بالا قدرت مقابله را کم می‌سازد (Pantazis, 2000: 416). باتوجه به مفاهیم و چارچوب نظری پژوهش، فرضیات زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

فرضیات تحقیق

- ۱- بین سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد.
- ۲- بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی و رفاه اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد.
- ۳- بین رفاه اجتماعی و احساس امنیت رابطه مستقیم وجود دارد.



شکل ۱- مدل نظری پژوهش (منبع مؤلفان)

تعریف مفاهیم و متغیرهای پژوهش

۱- رفاه اجتماعی^۱: رفاه اجتماعی به معنای سطح بهزیستی و رفاه در یک جامعه و میزان برخورداری افراد یک جامعه از امکانات مادی و معنوی موجود می‌باشد.

۲- سرمایه اجتماعی^۲: مجموعه‌ای از مفاهیم چون اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه یک اجتماع می‌شود و در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۵).

۳- امنیت اجتماعی^۳: معنای لغوی امنیت رهایی از خطر، تهدید، آسیب، اضطراب، هراس، ترس، نگرانی یا وجود آرامش، اطمینان، آسایش، اعتماد، تأمین، ضامن است (ماندل، ۱۳۷۹: ۴۴). و نیز هنگامی که فرد، خانواده‌اش و جماعت در مقابل بیچارگی‌ها و بدبختی‌های اقتصادی یا شخصی مانند داشتن سلامت و زندگی دارای اطمینان خاطر باشند (شایان مهر، ۱۳۷۷: ۸۳).

۴- احساس امنیت^۴: احساس مصونیت فرد در مقابل تهدیدهایی است که از جانب کنشگران دولتی و غیردولتی جان، مال، فکر و توانایی افراد برای شرکت در اجتماعات دلخواه و یا حفظ این اجتماعات را تهدید می‌کنند (شریفی‌دریاز، ۱۳۸۴: ۹۸).

۵- پایگاه اجتماعی- اقتصادی^۵: عبارتست از یک سازه ذهنی که ارزیابی آن با کاربرد معیارهای ارزشی- اجتماعی و رایج در جامعه صورت می‌گیرد. سن، جنس، وضع اجتماعی- حرفه‌ای و محیط اولیه، تعیین کننده پایگاه‌های متفاوت است. از مشخصه‌های آن ماهیت درآمد و حجم آن می‌باشد (بیرو، ۱۳۷۰: ۳۸۱).

روش تحقیق و مراحل آن

¹. Social Welfare

². Social Capital

³. Social Security

⁴. Security Feeling

⁵. Socioeconomic Status

چارچوب نظری پژوهش از طریق روش اسنادی^۱ و روش پاسخگویی به سؤالات پرسشنامه به روش پیمایشی^۲ صورت گرفته است. تحقیق ماهیت کاربردی و از نظر وسعت پهنانگر می باشد. واحد تحلیل فرد و سطح تحلیل خرد و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS و Amos انجام گرفته است. جامعه آماری سرپرست خانوار اصفهانی که بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ کل جمعیت شهر اصفهان، ۱۷۸۸۵۶۷ نفر می باشند. روش نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای، که از هر خوشه چند بلوک به طور تصادفی انتخاب و با توجه به حجم خانوار به طور متناسب در داخل آنها توزیع گردیده است. حجم نمونه تقریباً ۳۸۴ نفر است که بر اساس فرمول (کوکران) مقابل محاسبه گردید.

$$n = \frac{\frac{t^2 \cdot pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \cdot (\frac{t^2 \cdot pq}{d^2} - 1)} \Leftrightarrow n = \frac{\frac{1.96^2 \times .5 \times .5}{.05^2}}{1 + \frac{1}{1788567} \times (\frac{1.96^2 \times .5 \times .5}{.05^2})} = 384$$

$$t = 5/0, \quad q = 5/0, \quad p = 05/0, \quad d = 96/1, \quad N = 1788567$$

ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه می باشد که پس از تعیین شاخص‌های لازم برای متغیرهای پژوهش گویه‌هایی طراحی و در قالب پرسشنامه‌ای که اعتبار^۳ صوری، پایایی^۴ و مدل عاملی تأییدی آن تأیید شد، در اختیار پاسخگویان قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS انجام گردید.

¹ Documentary Method

² Survey Method

³ Validity

⁴ Reliability

جدول ۱- معرفی گویه های سنجش متغیرها^۱

مقدار آلفا	تعداد گویه	متغیرها		
۰/۹۱	۹	توان خرید تغذیه مناسب، توان خرید پوشاک، کیفیت سرپناه مناسب برای خود یا فرزندان، توان مالی خرید کالاهای اساسی و روزمره، قادر به پس انداز درآمد، تأمین مقدمات ازدواج (جهیزیه، مسکن و...) برای فرزندان، توان پرداخت بیمه‌های درمانی، مالی، حوادث، بازنشستگی و...، توان رفتن به مسافرت، توان مالی برای پرداختن شهریه کلاسهای آموزشی-تفریحی و... فرزندان	فردی	رفاه اجتماعی
۰/۹۱	۷	بهره‌مندی از خدمات دولت در زمینه تحصیل فرزندان، مسکن (وام، زمین و...)، سازمان‌های دولتی (شهرداری‌ها، ادارت آب و برق و...)، تفریح و سرگرمی خود و فرزندان (پارک و...)، تأمین کالاهای اساسی و مورد نیاز (مانند پارانه و...)، بهره‌مندی از بیمه‌های درمانی، حوادث، بازنشستگی و...، خدمات حمل‌ونقل شهری (درون و بیرون شهری)، مراکز بهداشتی و درمانی (بیمارستان‌های دولتی، خانه بهداشت و... در محل زندگی خود	نهادی	
۰/۷۳	۶	تخریب منزل بر اثر آتش سوزی، انفجارگاز، آب گرفتگی و... دزدی از منزل، صدمه رسیدن به اتومبیل بر اثر تصادف، آتش سوزی و...، سرقت اتومبیل، سرقت اموال و اشیای قیمتی (کیف قاپی، کلاهبرداری و...)، از دست رفتن اموال بر اثر حوادث پیش‌بینی نشده	مالی	
۰/۶۴	۶	سالم ماندن و طول عمر زیاد، امید به بهبودی در موقع بیماری، امید به پزشکیان و مراکز درمانی در تشخیص و بهبود امراض، مصونیت و درمان بودن از بیماری‌های واگیردار و عفونی، نداشتن دلهره نسبت به بیماری‌های لاعلاج مثل سرطان، ام اس و... سلامت فرزندان	جانی	احساس امنیت
۰/۶۶	۵	تخریب شهر از آمدن زلزله یا سیل و... رفتن به اماکن و بازارهای پر ازدحام و شلوغ، رفتن به پارکها در سطح شهر، امنیت خاطر از تردد	جمعی	

^۱ - گویه ها و تقسیم بندی رفاه اجتماعی و سرمایه اجتماعی با توجه به مفاهیم و شاخص های ذکر شده در پژوهش استخراج شده است و در خصوص احساس امنیت از تقسیم بندی چلبی در کتاب (تحلیل اجتماعی در فضای کنش (۱۳۸۵)، تهران: نشرنی، چاپ اول) استفاده شده است.

		در جاده‌ها، رعایت بهداشت عمومی در سطح شهر		
۰/۶۵	۵	نداشتن نگرانی فکری از مسائل مالی، اعتماد و اطمینان به آینده، داشتن آرامش روحی روانی در خانه، آرامش خاطر در محل کار، داشتن آرامش روحی و فکری نسبت به مسائل روزمره	فکری	
۰/۷۶	۸	رادیو و تلویزیون، نیروی انتظامی، بازاری‌ها، اعضای خانواده، پزشکان و پرستاران، هنرمندان، معلمین و اساتید دانشگاه، مجریان نهاددولتی	اعتماد	
۰/۸۰	۷	حداقل سن مشارکت در فعالیت‌های انتخاباتی، وظیفه اصلی مجلس خبرگان، چگونگی انتخاب اعضای مجلس خبرگان، وظیفه مجلس شورای اسلامی، چگونگی انتخاب اعضای مجلس شورای اسلامی، وظیفه شورای شهر، چگونگی انتخاب اعضای شورای شهر	آگاهی	سرمایه اجتماعی
۰/۶۲	۶	انتخابات، راهپیمایی، نماز جمعه، مهمانی‌های فامیلی، کمک به محرومین یا ایتم، شرکت در مراسمات اقوام، وساطت بین افراد	مشارکت	
-	۲	تحصیلات سرپرست خانوار، منزلت شغلی	اجتماعی	پایگاه
-	۴	ارزش مسکن، ارزش اتومبیل، درآمد ماهانه، ارزش منطقه محل سکونت	اقتصادی	اجتماعی- اقتصادی

یافته‌های تحقیق

توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت؛ از کل نمونه (۷۶/۰) درصد را مرد و (۲۴/۰) درصد را زنان تشکیل می‌دهند.

برحسب گروه سنی؛ (۲۰/۶) درصد متعلق به گروه سنی ۲۴-۳۵ ساله، (۳۳/۱) درصد گروه سنی ۳۶-۴۵ ساله، (۲۳/۷) درصد گروه سنی ۴۶-۵۵ ساله، (۱۵/۹) درصد گروه سنی ۵۵-۶۵ ساله و (۱۵/۹) درصد گروه سنی ۶۵ سال و بالاتر می‌باشند.

بر حسب محل سکونت؛ از کل نمونه (۲۲/۱) درصد افراد ساکن در منطقه بالای شهر (منطقه ۶)، (۴۷/۹) درصد افراد ساکن در منطقه متوسط شهر (منطقه ۱۰) و (۲۹/۹) درصد افراد ساکن در منطقه پایین شهر (منطقه ۱۳) را تشکیل می‌دهند.

بر حسب وضعیت تأهل؛ از کل نمونه (۲/۶) درصد افراد مجرد، (۸۳/۶) درصد افراد متأهل و (۱۳/۸) درصد افراد بی همسر (بر اثر طلاق یا فوت همسر) می‌باشد.

بر حسب سطح سواد؛ (۲/۶) درصد بی‌سواد، (۱۳/۵) درصد ابتدایی، (۹/۴) درصد سیکل و زیر دیپلم، (۳۲/۳) درصد دیپلم، (۱۰/۹) درصد فوق دیپلم، (۱۹/۳) درصد لیسانس، (۶/۳) درصد فوق لیسانس، (۳/۱) درصد دکترای عمومی، (۱/۳) درصد دکتری تخصصی و (۱/۳) درصد دارای تحصیلات حوزوی می‌باشند.

بر حسب رتبه بندی شغلی؛ (۲/۳) درصد بیکار، (۵/۵) درصد کارگر، (۱۲/۰) درصد بازنشسته، (۳/۹) درصد بازاری خرده فروش، (۵/۲) درصد راننده ماشین سبک، (۱/۳) باغدار و کشاورز، (۲/۳) درصد فروشنده لوازم خانگی و لوکس، (۰/۸) درصد راننده ماشین سنگین، (۲۴/۲) درصد اداری - خدماتی، (۷/۶) درصد فرهنگی، (۱/۶) نظامی، (۱/۳) درصد بازاری عمده فروش، (۶/۵) درصد فنی و مهندسی، (۲/۳) درصد وکالت، (۲/۳) درصد پزشک، (۲/۱) استاد دانشگاه و (۱۸/۸) سایر مشاغل می‌باشند.

بر حسب درآمد ماهیانه؛ (۳/۹) درصد از ۲۰۰ هزار تومان کمتر، (۹/۶) درصد بین ۲۰۱ تا ۴۰۰ هزار تومان، (۲۷/۱) درصد بین ۴۰۱ تا ۶۰۰ هزار تومان، (۱۷/۷) درصد بین ۶۰۱ تا ۸۰۰ هزار تومان، (۱۸/۰) درصد از ۸۰۰ تا یک میلیون، (۶/۵) درصد از یک تا دو میلیون و (۱۷/۲) درصد دو میلیون به بالا می‌باشند.

بر حسب پایگاه اجتماعی - اقتصادی؛ از کل نمونه (۲۳/۴) درصد افراد متشکل از طبقه پایین، (۲۲/۴) درصد افراد طبقه متوسط رو به پایین، (۲۸/۹) درصد افراد طبقه متوسط، (۱۶/۷) درصد طبقه متوسط رو به بالا و (۸/۶) درصد افراد طبقه بالا می‌باشند (لازم به توضیح است که برای ساختن این متغیر از ترکیب چند گویه، یعنی نوع مسکن، مالکیت اتومبیل و قیمت آن، میزان هزینه ماهیانه خانواده، منطقه محل سکونت و نوع شغل سرپرست خانوار استفاده گردید).

آزمون فرضیه ها

فرضیه ۱- بین سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی رابطه دارد.

جدول ۲- آزمون همبستگی پیرسون بین سرمایه اجتماعی و ابعاد رفاه اجتماعی

نهادی			فردی			رفاه اجتماعی	متغیر وابسته
آگاهی	مشارکت	اعتماد	آگاهی	مشارکت	اعتماد	سرمایه اجتماعی	متغیر مستقل
۰/۴۱۶ (**)	۰/۶۷	۰/۰۴۳	۰/۴۰۴ (**)	۰/۰۷۱	۰/۰۲۷	۰/۱۱۸ (*)	ضریب همبستگی پیرسون
۰/۰۰۰	۰/۱۹۳	۰/۳۹۹	۰/۰۰۰	۰/۱۶۴	۰/۵۹۹	۰/۰۲۱	سطح معناداری

* Correlation is significant at the 0. 05 level (2-tailed).

** Correlation is significant at the 0. 01 level (2-tailed).

برای آزمون وجود رابطه بین متغیر سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید. با توجه به نتایج این آزمون (مقدار $r=0/118$ و سطح معناداری $sig=0/021$)، می توان اظهار داشت که بین سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی با اطمینان لازم رابطه معنادار و مستقیم برقرار است. یعنی سرمایه اجتماعی بیشتر منجر به رفاه اجتماعی بیشتر و سرمایه اجتماعی کمتر منجر به رفاه اجتماعی کمتر می گردد. که بنا بر چارچوب نظری مطرح در پژوهش، فرضیه مورد نظر، مورد پذیرش واقع می گردد. (که به منظور تبیین بهتر رابطه همبستگی بین هرکدام از ابعاد رفاه اجتماعی (فردی و نهادی) با سرمایه اجتماعی (اعتماد، مشارکت و آگاهی) به بررسی جداگانه هر کدام از آنها پرداخته شد (جدول ۲).

فرضیه ۲- بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و رفاه اجتماعی رابطه دارد.

جدول ۳- آزمون همبستگی پیرسون بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و ابعاد رفاه اجتماعی

نهادی		فردی		رفاه اجتماعی	متغیر وابسته
اقتصادی	اجتماعی	اقتصادی	اجتماعی	پایگاه اجتماعی - اقتصادی	متغیر مستقل
۰/۱۷۸ (**)	۰/۰۵۹	۰/۱۸۳ (**)	۰/۰۵۸	۰/۱۲۲ (*)	ضریب همبستگی

تبیین رفاه اجتماعی و تأثیر آن بر احساس... ۳۵

					پیرسون
۰/۰۰۰	۰/۲۵۱	۰/۰۰۰	۰/۲۵۸	۰/۰۱۷	سطح معناداری

* Correlation is significant at the 0. 05 level (2-tailed).

** Correlation is significant at the 0. 01 level (2-tailed).

برای آزمون وجود رابطه بین متغیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی و رفاه اجتماعی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید. با توجه به نتایج این آزمون (مقدار $r=0/122$ و سطح معناداری $sig=0/017$)، می توان اظهار داشت که بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی و رفاه اجتماعی با اطمینان لازم رابطه معنادار و مستقیم برقرار است. یعنی هر چه افراد از پایگاه اجتماعی- اقتصادی بالاتری برخوردار باشد آن افراد رفاه اجتماعی بیشتری کسب کرده و هرچه این کیفیت کاهش پیدا کند، به همان میزان نیز رفاه اجتماعی نیز کاهش می یابد. پس فرضیه مورد نظر پژوهش نیز مورد پذیرش واقع می گردد. (به منظور تبیین بهتر رابطه همبستگی بین هر کدام از ابعاد رفاه اجتماعی (فردی و نهادی) با پایگاه اجتماعی- اقتصادی به بررسی جداگانه هر کدام از آنها پرداخته شد (جدول ۳). فرضیه ۳- بین رفاه اجتماعی و احساس امنیت رابطه دارد.

جدول ۴- آزمون همبستگی پیرسون بین رفاه اجتماعی و ابعاد احساس امنیت

متغیر وابسته		احساس امنیت		مالی		جانی		جمعی		فکری	
متغیر مستقل		رفاه اجتماعی		فردی		فردی		فردی		فردی	
ضریب همبستگی پیرسون		۰/۲۲۷ (**)		۰/۳۱۲ (**)		۰/۳۱۷ (**)		۰/۰۹۳		۰/۰۸۷	
سطح معناداری		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۶۹		۰/۰۸۹	

* Correlation is significant at the 0. 05 level (2-tailed).

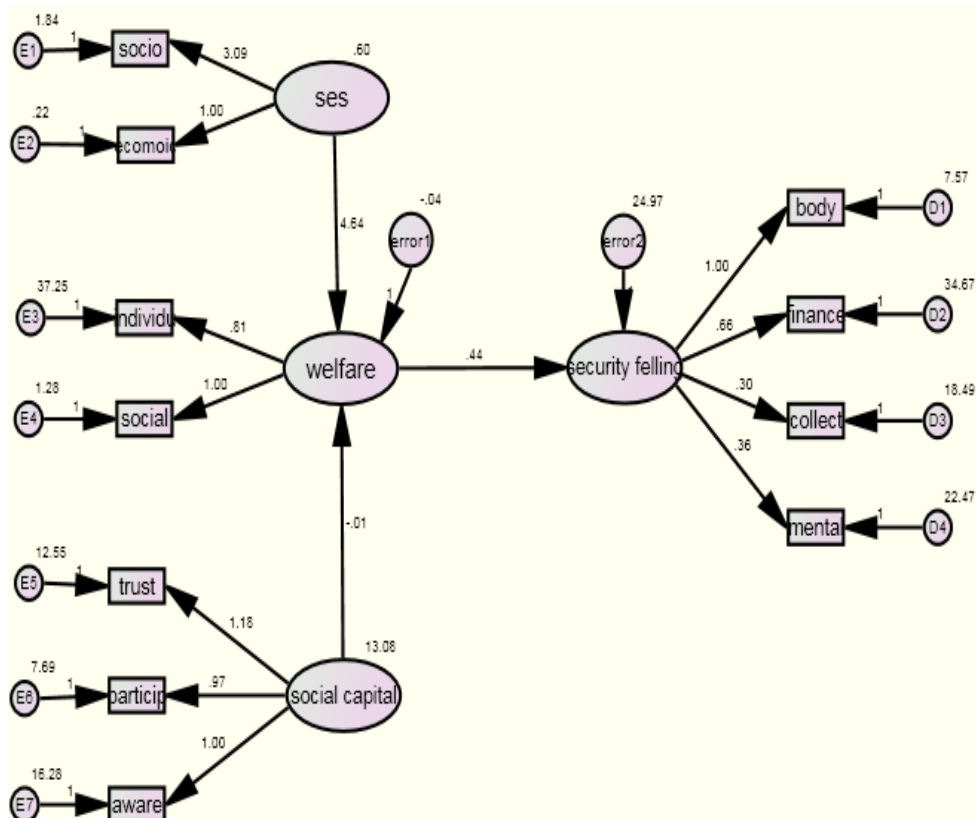
** Correlation is significant at the 0. 01 level (2-tailed).

برای آزمون وجود رابطه بین متغیر رفاه اجتماعی و احساس امنیت از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید. با توجه به نتایج این آزمون (مقدار $r=0/227$ و سطح

تبیین رفاه اجتماعی و تأثیر آن بر احساس... ۳۶

معناداری (sig=۰/۰۰۰)، می‌توان اظهار داشت که بین رفاه اجتماعی و احساس امنیت با اطمینان لازم رابطه معنادار و مستقیم برقرار است. یعنی هر چه فرد از رفاه اجتماعی بالاتری برخوردار باشد، احساس امنیت بیشتری کسب کرده و هرچه این میزان کاهش پیدا کند، به همان نسبت نیز احساس امنیت کاهش می‌یابد. پس فرضیه مورد نظر پژوهش نیز مورد پذیرش واقع می‌گردد. (به منظور تبیین بهتر رابطه همبستگی بین هر کدام از ابعاد احساس امنیت (مالی، جانی، جمعی و فکری) با رفاه اجتماعی (فردی و نهادی) به بررسی جداگانه هر کدام از آنها پرداخته شد (جدول ۴).

الگوسازی معادلات ساختاری با کاربرد Amos graphics



شکل ۲- ضرایب استاندارد (standard) مدل معادله ساختاری تحقیق

در شکل (۲) مدل تجربی تحقیق در قالب مدل معادله ساختاری ارائه گردیده است. با توجه به ضرایب معیارهای نیکویی و برازش مدل باید گفت، مدل تحقیق از برازش نسبتاً مناسبی برخوردار می‌باشد. و داده‌های جمع‌آوری شده از چارچوب نظری پژوهش مورد حمایت قرار می‌گیرد.

جدول ۵- معیارهای برازش مدل و تفسیر برازش قابل قبول

میزان حاصل	تفسیر	سطح قابل قبول	معیار برازش مدل	حدپذیرش
۱۸/۰۲۲	کای اسکوتر به دست آمده با کای اسکوتر جدول برای یک درجه آزادی مشخص مقایسه می‌شود.	مقدار کای اسکوتر جدول	کای اسکوتر (CMIN)	قابل قبول
۰/۹۲۱	مقدار نزدیک به ۰/۹۵ منعکس کننده یک برازش مطلوب است.	۱ (عدم برازش) تا (برازش کامل)	نیکویی برازش (GFI)	قابل قبول
۰/۸۷۳	مقدار نزدیک به ۰/۹۵ منعکس کننده یک برازش مطلوب است.	۱ (عدم برازش) تا (برازش کامل)	نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI)	قابل قبول
۰/۰۹۴	مقدار کمتر از ۰/۰۵ یک برازش خوب را نشان می‌دهد.	کوچکتر از ۰/۰۵	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)	تاحدی قبول
۰/۸۸۴	مقدار نزدیک به ۰/۹۵ منعکس کننده یک برازش مطلوب است.	۱ (عدم برازش) تا (برازش کامل)	توکر لوئیس (TLI)	قابل قبول
۴/۴۱۵	مقدار کمتر از ۱ نشان دهنده ضعف برازش و مقدار بیشتر از ۵ منعکس کننده نیاز به بهبود است.	۱ تا ۵	کای اسکوتر نسبی (CMIN/DF)	قابل قبول
۰/۶۶۵	بالاتر از ۰/۵۰ یا ۰/۶۰		شاخص برازش هنجار شده مقتصد (PNFI)	قابل قبول

شاخص برازش تطبیقی مقتصد (PCFI)	بالاتر از ۰/۵۰ یا ۰/۶۰	۰/۶۸۱	قابل قبول
-----------------------------------	------------------------	-------	-----------

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی تبیین رفاه اجتماعی و تأثیر آن بر احساس امنیت در بین شهروندان اصفهانی می‌باشد. این پژوهش دو هدف مهم دربرداشت. که با توجه به هدف اول، مباحث و نظریه‌های ارائه گردید و هدف دوم با توجه پیشینه مختصری از پژوهش‌های انجام شده و نیز حوزه نظری مطرح شده، فرضیاتی از آن استخراج و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در نهایت مدل تجربی تحقیق در قالب یک مدل معادله ساختاری (SEM) با نرم افزار Amos ارائه گردید. ابتدا توضیح اندکی از نتایج پیمایش پژوهش ارائه داده و در ادامه به بقیه مباحث و ارائه پیشنهاد خواهیم پرداخت.

- در بررسی رابطه بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی، نتایج به دست آمده در جامعه آماری مورد نظر حاکی از وجود رابطه مستقیم و معنادار بین این دو متغیر می‌باشد. که در بین ابعاد سرمایه اجتماعی (مشارکت، آگاهی، اعتماد) با ابعاد رفاه اجتماعی (فردی، نهادی)، بعد آگاهی سرمایه اجتماعی با ابعاد نهادی رفاه اجتماعی بیشترین ضریب معناداری را در بین تمام ابعاد دو متغیر فوق داشته است.

- در بررسی رابطه بین دو متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و رفاه اجتماعی، نتایج به دست آمده در بین شهروندان اصفهانی حاکی از رابطه مثبت و معنادار بین دو متغیر مربوط می‌باشد، که از بین ابعاد پایگاه اجتماعی - اقتصادی، بعد اقتصادی پایگاه اجتماعی - اقتصادی با بعد فردی رفاه اجتماعی بیشترین ضریب معناداری را در بین تمامی ابعاد بین دو متغیر داشته است.

- پیامد رفاه اجتماعی یعنی احساس امنیت در جامعه آماری مورد نظر حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بین این دو متغیر می‌باشد. که در بین ابعاد رفاه اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی (مالی، جانی، جمعی، فکری)، بعد نهادی و فردی رفاه

اجتماعی با بعد مالی احساس امنیت، بیشترین ضریب رابطه معناداری را در بین دیگر ابعاد دو متغیر ذکر شده داشته است.

با توجه به نتایج تحقیق در خصوص سرمایه اجتماعی می‌توان اظهار داشت، از آن‌جا که در آراء همه صاحب‌نظران سرمایه اجتماعی این دلالت ضمنی وجود دارد که سرمایه اجتماعی از طریق تسهیل روابط اجتماعی موجباتی را فراهم می‌سازد که افراد بهتر و ساده‌تر بتوانند منافع فردی و گروهی خود را دنبال کنند و به تبع آن رفاه اجتماعی حاصل می‌شود. سرمایه اجتماعی در شکل مفید و متوازن آن منجر به افزایش کارایی اقتصادی و به تبع آن افزایش رفاه خواهد شد و همه از آن سود خواهند برد. شاید بتوان گفت در زمینه رفاه اجتماعی دولت نه تنها باید زیرساخت‌های اقتصادی جامعه را بهبود بخشد، بلکه می‌بایست این را مورد توجه قرار دهد که توجه به روابط بین افراد و حفظ سرمایه اجتماعی بین آنها، بدون متحمل شدن هزینه اقتصادی برای دولت، خود نیز به بهبود رفاه اجتماعی کمک می‌کند. سرمایه اجتماعی که ترکیبی از مؤلفه‌های داشتن روابط و کسب آگاهی از یکدیگر، اعتماد و مشارکت نسبت به هم محله‌ای‌ها و همسایه‌ها می‌باشد، باعث می‌شود که ساکنین یک محل با داشتن و پشتوانه چنین سرمایه‌ای احساس امنیت خاطری بیشتری نسبت به پیرامون همسایگی خود داشته و با ایجاد روابط درون گروهی سالم، در اجتماع نیز این احساس را تقویت کرده و با مشارکت در برنامه‌های سالم‌سازی شهر و حتی کشور به پشتوانه چنین اعتماد و امنیت خاطری به توسعه سازنده‌گی کشور خدمت رسانند.

شناسایی سرمایه‌های موجود در هر منطقه، به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه یافته، هم به شناخت بهتر و هم مشارکت ساکنان این مناطق در چنین برنامه‌هایی می‌گردد. مشارکت در بین افراد، منجر به ایجاد شخصیت‌هایی که در آن روح جمع‌گرایی تقویت شده، می‌گردد. روح جمع‌گرایی در افراد جامعه باعث می‌شود با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. در چنین حالتی مشارکت در جامعه افزایش خواهد یافت و مردم حضوری مؤثر در اجتماع پیدا خواهند کرد. با حضور گسترده مردم در اجتماع حاکمیت سیاسی

مشروعیت خواهد یافت و مردم به گونه‌ای روشن و شفاف با نظم حاکم ارتباط خواهند داشت. که در آخر به توسعه پایدار در سطح جامعه منجر خواهد شد.

اگر توسعه اجتماعی را به عنوان یکی از ابعاد اصلی فرآیند توسعه و رفاه اجتماعی (مجموعه شرایط و کیفیت‌هایی است که نیازهای فردی (جسمی و روانی) و اجتماعی آحاد جامعه در حد قابل قبول تأمین شده و همه مردم از زندگی در آن شرایط احساس امنیت زیستی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی داشته باشند) دارای رابطه در هم‌تنیده‌ای بدانیم. توسعه اجتماعی به عنوان راهبرد اصلی، مقوله رفاه اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد. از آنجا که نظریه‌پردازان غیرمارکسیست هسته اصلی توسعه اجتماعی را رفاه دانسته و منبع اصلی قدرت و ثروت جامعه را نیروی انسانی آن می‌دانند. پس تمرکز باید بر برنامه‌های توسعه در جهت ارتقاء مهارت‌ها و استعداد نیروی انسانی باشد. از این رو برای دستیابی به توسعه ملی راهی جز توسعه انسان در چارچوب برنامه‌های رفاه اجتماعی نیست.

از طرفی با توجه به هدف اولیه پژوهش و محوریت دولت در تدوین برنامه‌های رفاه، لزوم توجه به بازنگری در سیاست‌های اقتصادی و رفاه‌ی دولت جدید با توجه به تجربه سایر کشورها ضروری می‌باشد. شاید بتوان گفت بهترین الگو برای شرایط کنونی ایران، الگوی دولت‌های سوسیال دموکرات راهگشا باشد. (در برنامه‌های رفاه اجتماعی کشورهای دولت رفاه لیبرال؛ عمدتاً گروه‌های مرفه اجتماعی قادر به پرداخت هزینه‌های سنگین برای بیمه‌های گوناگون و پرداخت شهریه و... هستند. حال آن که طبقات ضعیف‌تر از این مزایا محروم هستند. پس دور تسلسل فقر همچنان در آن‌ها تداوم می‌یابد. در رژیم‌های دموکرات مسیحی هیچ برنامه‌ای برای کاهش سطح اختلافات طبقاتی در جامعه وجود نداشته و این رژیم‌ها با وابسته کردن سطح مزایای اجتماعی به سطح درآمدها و یا به طبقات و گروه‌های گوناگون اجتماعی موجب پایدار ماندن اختلاف طبقاتی شده‌اند. دولت‌های رفاه سوسیال دموکراتیک که عمدتاً در آن، برای مؤسسات رفاه و برنامه‌های مربوط به آن وظیفه توان‌بخشی و درمانی، وظیفه حمایتی،

وظیفه پیشگیری و وظیفه توسعه‌ای تعریف شده است، آسیب‌های دو سیستم قبلی را در خود نداشته و حتی به رشد و توسعه جامعه کمک می‌کند) البته صرف الگو برداری محض خود نیز می‌تواند آسیبی جبران‌ناپذیر برای اجرای این سیاست‌ها باشد. شناخت ظرفیت‌ها و بسترها به خصوص نیروی انسانی در این زمینه مقدم بر پیاده‌سازی هر الگویی می‌باشد.

در پایان با توجه به شرایط کنونی ایران نیز پیشنهاداتی برای برنامه‌های دولت ارائه می‌گردد.

۱- دولت باید راهبردهایی مناسب در اقتصاد کلان اتخاذ نماید تا بتواند اقتصاد را دوباره پویا و ایجاد شغل و دیگر فرصتهای کسب درآمد کند. این امر یک مبنای محکم برای برنامه‌های رفاه اجتماعی سهمی (کمکی) (contributory) ایجاد می‌کند.

۲- دولت باید میزان پوشش برنامه‌های بیمه اجتماعی را به افرادی که خارج از بخش رسمی کار می‌کنند گسترش داده و نیز شمار حوادث احتمالی تحت پوشش را نیز افزایش دهد. گسترش پوشش به سمت خارج از بخش رسمی می‌تواند براساس الزام یا اختیار باشد. یارانه متقابل از جریان اصلی افراد بیمه شده بر دولت لازم است. برنامه‌ها باید سفارشی بوده تا متناسب با نیازهای افراد خارج از بخش رسمی باشد.

۳- دولت باید کارفرمایان را ملزم سازد تا برنامه‌های مقرری شغلی که ارائه‌کننده حمایت اجتماعی در سالمندی است، فراهم کنند. مقرری‌ها باید از یک کارفرما به دیگری قابل انتقال باشد.

۴- از آنجایی که بیشتر مردم توانایی پرداخت و شرکت در برنامه‌های بیمه اجتماعی را ندارند، دولت باید برنامه‌های مقرری غیررسمی (non-contributory) معرفی کند، که هم می‌تواند همگانی باشد و هم برای کسانی

تبیین رفاه اجتماعی و تأثیر آن بر احساس... ۴۲

باشد که در مورد آنها تحقیق شده است. این امر می‌تواند توزیع عمومی مجدد درآمد را تسریع کند.

۵- دولت باید مسئولیت ارائه خدمات همگانی بهداشتی را پذیرفته و هنگامی که به علت دلایل مالی ممکن نیست، بیمه‌هایی در سطح جزئی را باید مورد تشویق و ترغیب قرار دهد.

۶- دولت باید قوانینی را برای ملزم ساختن کارفرمایان به رعایت قوانین اجرایی کنند.

۷- دولت باید نقش رهبری را در تقویت کمک‌های متقابل در جوامع از طریق تسریع ایجاد رابطه با برنامه‌های رفاه اجتماعی رسمی در بین دیگر موارد، به دست گیرد.

منابع

- اسماعیلی، رضا. (۱۳۸۵)، «بررسی شاخص‌های توسعه اجتماعی و سطح بندی آن در شهرستان‌های استان اصفهان»، *پایان‌نامه دکتری*، دانشگاه اصفهان: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی.
- بیرو، آلن. (۱۳۷۰)، «فرهنگ علوم اجتماعی»، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
- بیات، بهرام. (۱۳۸۷)، «تبیین جامعه‌شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی»، *پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی*، دانشگاه اصفهان: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی.
- پاتنام، رابرت. (۱۳۸۰)، «دموکراسی و سنت‌های مدنی»، ترجمه: محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات سلام.

تبیین رفاه اجتماعی و تأثیر آن بر احساس... ۴۳

- پیران، پرویز. (۱۳۸۲)، «سیاست اجتماعی توسعه اجتماعی و ضرورت آن در ایران (نقد و بررسی سند گینهاک)»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ویژه‌نامه سیاست اجتماعی، شماره ۱۰، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی.

- چلبی، مسعود. (۱۳۸۵)، «*تحلیل اجتماعی در فضای کنش*»، تهران: نشرنی، چاپ اول.

- حق‌جو، ناصر. (۱۳۸۱)، «رفاه اجتماعی و توسعه (مروری بر کارکردهای برخی نهادهای حمایتی در ایران)»، *فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال دوم، شماره ۶.

- خاندوزی، سید احسان. (۱۳۸۴)، «بازشناسی یک حوزه نوظهور و نسبت آن با اقتصاد: پیوند متقابل سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی»، *راهبرد یاس*، سال اول، شماره ۳.

- ربانی، رسول و وحید قاسمی و محمد عباس زاده. (۱۳۸۸)، «رابطه ابعاد مادی و غیر مادی رفاه اجتماعی با مشارکت شهروندان در امور شهری»، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال نهم، شماره ۳۲.

- رضاییان، علی. (۱۳۷۰)، «*اصول مدیریت*»، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).

- زاهدی، محمدجواد و ملیحه شیبانی و پروین علی‌پور. (۱۳۸۸)، «رابطه سرمایه اجتماعی با رفاه اجتماعی»، *فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال نهم، شماره ۳۲.

- زاهدی اصل، محمد. (۱۳۸۱)، «*مبانی رفاه اجتماعی*»، تهران: دانشگاه دانشگاه علامه طباطبائی.

- سن، آمارتیا کومار. (۱۳۸۱)، «*توسعه به مثابه آزادی*»، ترجمه: حسین راغفر، تهران: انتشارات کویر.

- شایان مهر، علیرضا. (۱۳۷۷)، «دائرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی»، تهران: سازمان انتشارات کیهان.
- صادقی، حسین و عباس عصار و ارشک مسائلی. (۱۳۸۹)، «رویکردی نو به برآورد شاخص رفاه در ایران با استفاده از منطق فازی طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۵۳»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال دهم، شماره ۳.
- فیتزپتریک، تونی. (۱۳۸۱)، «نظریه رفاه»، ترجمه: هرمز همایون‌پور، تهران: انتشارات موسسه پژوهش تأمین اجتماعی گام نو.
- فیتزپتریک، تونی. (۱۳۸۵)، «نظریه‌های رفاه جدید»، ترجمه: هرمز همایون‌پور، تهران: انتشارات موسسه پژوهش تأمین اجتماعی.
- قاسمی، وحید. (۱۳۸۸)، «مدل سازی معادله ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد *Amos Graphics*»، تهران: انتشارات: جامعه شناسان.
- قاسمی اردهایی، علی. (۱۳۸۷)، «بررسی تطبیقی وضعیت رفاه در خانوارهای شهری و روستایی»، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۲.
- کامکار، مهدیس. (۱۳۸۲)، «سیاست اجتماعی چیست؟» نشریه رفاه اجتماعی، شماره ۱۰، دانشکده علوم بهزیستی و توانبخشی.
- گل‌پرور، محسن و حمیدرضا عریضی و سعید مدنی قهفرخی (۱۳۸۸)، «نقش نگرش به رفاه اجتماعی در رابطه همدلی و گرایش اجتماعی با عدالت اجتماعی»، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳۲.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۳)، «جامعه‌شناسی»، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: انتشارات نی.
- ماندل، رابرت. (۱۳۷۹)، «چهره متغیر امنیت ملی»، تهران: انتشارت پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- میجلی، جیمز. (۱۳۷۸)، «رفاه اجتماعی در جهان»، ترجمه: محمدتقی جغتایی، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی.
- ناصری، محمدباقر و رحیمی نژاد، محمد کاظم. (۱۳۷۴)، «جمعیت و امنیت اجتماعی»، اداره چاپ و نشر سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، چاپ اول.
- یزدانی، فرشید. (۱۳۸۲a)، «مفاهیم بنیادی در مباحث رفاه اجتماعی (سیاست اجتماعی، حمایت اجتماعی، رفاه و تأمین اجتماعی)»، فصلنامه رفاه اجتماعی، ویژه سیاست اجتماعی.
- یزدانی، فرشید. (۱۳۸۲b)، «مفاهیم بنیادی در مباحث رفاه اجتماعی»، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی.
- Ferguson, Kritstin M. & Chales H. Mindel. (2007). *Modeling Fear of Crime in Dallas Neighborhoods: A Test of Social Capital Theory, Crime & Delinquency*, Volume 53, Number 2, Aapril 2007, 322-349.
- Gunneken, Van. Wouter, (2009) , *Social security and Global Socio-Economic Floor: Towards a Human Rights-based Approach*, [http://www. Sage pub. co. uk. /Journals Permissions. nav. vol. 9 \(2\) : pp228-245;104677](http://www. Sage pub. co. uk. /Journals Permissions. nav. vol. 9 (2) : pp228-245;104677).
- Idac. Merriam, (1978) , *Social security and social welfare Indicators*, The Annals of the American Academy, AAPss, 435, Jan, 1978.
- Kaske, Edwin, (2005) , *social security and older people: An African perspective*, international social work 2005, published by Sage.
- Kilgour. G. John, (2010) , «*Social security in the 21st century*» , Publications, Reprints and Permission: [http://www. sagepub.Com / journals. \(459-469\)](http://www. sagepub.Com / journals. (459-469)).
- Miceli Renato, Michele Roccato, Rosalba Rosato. (2004). *Fear of Crime in Italy spread & Determinations, Environment and Behavior*, Vol. 36 No. 6, November 2004 776-789.

- Pantazis, Christina. (2000). Fear of Crime, Vuulnerability and Poverty: Evidence From the British Crime Survey, *The British Journal of Criminology*; Summer 2000; 40, 3, Proquest Social Science Journals.
- Prabuha K. Seeta & Lyer V. Sandhya (2001) : Public Provision of social security: The Challenge in South Asian, *south Asia Economic journal*, 2: 1 (2001) , Reprints and Permission: <http://www.sagepub. Com>.
- Will, Jeffry A. & John H. McGrath. (1995). Crime, Neighborhood Perceptions, and The Underclass: The Relationship Between Fear of Crime and Class Position, *Journal of Criminal Justice*, Vol. 23, No. 2, pp. 163-179, 1995.
- Woolckock, M. , Narayan, P. (2000). *Social Capital; Implication For Development Theory*, Research And Policy, The World Bank Research Observer, 15 (2) , pp: 225-249.

تبيين رفاه اجتماعى و تأثير آن بر احساس... ۴۷